



## معاونت پژوهش و عملیات مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات

### هدف

بسترسازی و تسهیل‌گری جهت قرارگرفتن فعالیت‌های علمی-پژوهشی طلاب در راستای حل مسائل واقعی نظام و انقلاب اسلامی

### اقدامات

۱. ارتباط با مراکز پژوهشی در سطح ملی و جهانی جهت تعیین مسائل پژوهشی و واقعی جهت انعقاد تفاهم‌نامه و قرارداد پژوهشی با گروه‌های تخصصی و اندیشکده‌های مشکات

■ از جمله‌ی مراکز پژوهشی که تفاهم‌نامه انعقاد شده است: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد ملی نخبگان

۲. تهیه‌ی و ثبت مجلات علمی و پژوهشی جهت چاپ آثار علمی و گزارش دستاوردهای علمی-پژوهشی گروه‌ها و مراکز علمی وابسته به مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات

۳. تهیه‌ی زیرساخت نرم‌افزاری و سامانه جهت ثبت، سنجش و ارائه‌ی آثار و دستاوردهای علمی-پژوهشی گروه‌ها و مراکز علمی وابسته به مؤسسه آموزش عالی حوزوی مشکات



## وحیدرخوت

دانش آموخته سطح چهار موسسه آموزش عالی حوزوی مشکات  
کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی





## بررسی جایگاه امارات متحده عربی در پروژه حمایت از تصوف در خاورمیانه پس از یازده سپتامبر (۲۰۰۱-۲۰۲۰)\*

### چکیده

وضعیت جبهه بندی جریان‌های اجتماعی جهان اسلام با رویداد ۱۱ سپتامبر وارد مرحله‌ی جدیدی شد. به موازات رشد ستیزه جویی علیه غرب در میان طیف سلفی، سیاست‌گذاران غربی به دنبال طرحی برای مهار زدن بر این جریان بودند؛ جریانی که خود در ریشه دواندن آن در سراسر منطقه دست داشتند. در این چهارچوب، عامل دین، در کنار سایر عوامل تأثیرگذار بر قدرت باید به دقت مورد مطالعه قرار می‌گرفت و متناسب با اقتضانات و شرایط منطقه، تدبیر می‌شد. برآیند طرحواره‌ای که سیاست‌گذاران غربی پس از حادثه یازده سپتامبر در سطح عمومی مطرح کردند، آن بود که باید با جریان‌های صوفی جهان اسلام اتحادی راهبردی برقرار کرد تا آنها عقیده جدایی دین از سیاست را در جوامع اسلامی گسترش دهند. در مرحله عمل، زمینه‌ی گسترده‌ای برای بازگزارای این سیاست در کشورهای حاشیه خلیج فارس یافت نمی‌شد، اما امارات متحده‌ی عربی از چند جهت آماده‌ی نقش‌پذیری در اجرایی کردن این پروژه بود. در این مقاله سعی داریم با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و وب محور در چهارچوب نظریه قدرت مولد، با برشمردن عواملی که سبب شد امارات متحده‌ی عربی بازیگر میدانی سیاست غربی گسترش تصوف شود، به بررسی پیوند این کشور ثروتمند و کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس با پروژه احیای تصوف در سه دوره:

۱. تدارک
۲. تقابل
۳. تثبیت بپردازیم و تحلیلی از آزادی‌های فراز و فرودهای آن ارائه دهیم.

### کلمات کلیدی:

تصوف، امارات متحده‌ی عربی، قدرت مولد، سلفیت، ایالات متحده آمریکا

\*کتاب مجموعه مقالات نخستین کنفرانس دوسالانه بین‌المللی "نظم منطقه‌ای و ساختار اجتماعی در خاورمیانه: از نظریه تا عمل"

in the Gulf countries, but the UAE was prepared to play a key role in implementation. In this article, we try to examine the link between UAE and this policy, by descriptive-analytical method and using library and web-based resources in the productive power theoretical framework. We practice this study in three periods:

1. Preparation
2. Confrontation
3. Consolidation and provide an analysis of why its ups and downs.

## Keywords:

Sufism, UAE (United Arab Emirates), Productive power, Salafism, USA (United States of America)

## Abstract

The situation of the social flows of the Islamic world entered a new phase with the events of September 11th. As anti-Western militancy grew among the Salafi spectrum, Western policymakers sought a plan to curb it; A current that they themselves were involved in rooting throughout the middle east region. In this context, the factor of religion, along with other factors affecting power, had to be carefully studied. The result of the scheme that Western policymakers put forward at the public level after September 11th, was that a strategic alliance should be established with the Sufi currents of the Islamic world so that they could spread the idea of the separation of religion and politics in Islamic societies. In practice, there was no broad ground for the implementation of this policy

## مقدمه

مضاعفی تنگ کرد. محور سعودی در دو دهه شکوفایی این جریان، عملاً به سلفی کردن غالب بازیگران مذهبی در جهان اهل سنت پرداخت.

افغانستان به عنوان آخرین آوردگاه غرب و شرق در دوران جنگ سرد در جهان اسلام نمود بارزی از تاثیر رقابت های جهان دو قطبی در زیست بوم فرهنگی مسلمین بود. در دو قطبی ایجاد شده تعجبی نداشت که در خاک صوفی پرور شبه قاره که زادگاه مولوی و خواجه عبدالله انصاری و جامی و چشتی و رهبران سیاسی صوفی مسلکی چون مجددی و گیلانی، کار به دست کسی بیفتد که تحت تاثیر موج سلفیت نامش را از عبدالرسول به عبدرب الرسول سیاف تغییر می دهد! به هر ترتیب جنگ سرد با شکست شوری به پایان رسید و شرایط جدید، نظم جدیدی را برای قلمروی اسلامی اقتضای کرد.

در طول دهه نود بسیاری از همپیمانان سابق در حال بازتعریف خود در قامت رقبای جدید بودند. جریان سلفی نیز

در لایه سیاسی تاریخ پسا استعماری جهان اسلام، تا پیش از پایان جنگ سرد، صوفیه همیشه بازیگری غایب یا در حاشیه بوده است. این موضوع را البته تنها به طبیعت سیاست گریز صوفیه نباید ارتباط داد. انعکاس درگیری بلوک شرق و غرب در جهان عرب عمدتاً به این شکل بود که جریانات سنت گرا و مذهبی گرایش بیشتری به غرب یافتند و با محوریت عربستان کمربند سبز اسلامی را تشکیل دادند؛ در مقابل، جریان های سکولار و روشنفکر عربی با محوریت مصر ناصری به بلوک شرق متمایل شدند.

محور سعودی پس از شکست خوردن محور مصری در جنگ شش روزه از رژیم صهیونیستی و رشد بی سابقه درآمدهای نفتی خلیج فارس به قدری متورم گردید که فضا را برای خرده جریانات مذهبی از جمله صوفیه به طور

سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ به این موضوع پرداخت. شریل بنارد، زینو باران، دیوید دیکسون، انگل راباسا، مارک وودوارد و گریگوری لپیتون از چهره‌های مطرحی هستند که در ترویج این دیدگاه در فضای کارشناسی غرب تلاش کردند.<sup>۲</sup>

در یکی از مهم‌ترین موارد، با عنوان «اسلام دموکراتیک مدنی، همکاران، منابع و راهبردها» که توسط شریل بنارد<sup>۳</sup> برای موسسه رند انجام شده است، اسلام مورد علاقه غرب اینگونه معرفی می‌شود:

«بدیهی است که ایالات متحده، دنیای مدرن صنعتی و در واقع جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل، دنیای اسلامی را ترجیح می‌دهد که با بقیه سیستم سازگار باشد:

۲. به ترتیب بنگرید به:

- Benard, Cheryl, et al. Civil democratic Islam: partners, resources, and strategies. Rand Corporation, 2004.
- Benard, Cheryl. "A future for the young: Options for helping Middle Eastern youth escape the trap of radicalization." Unpublished Master Degree, Los Angeles, National Security Research Division (2005).
- Baran, Zeyno, "Understanding Sufism and its Potential Role in US Policy", The Nixon Center: International Security and Energy Program, 2004. Available at: [https://www.islamawareness.net/Sufism/sufism\\_us\\_policy.pdf](https://www.islamawareness.net/Sufism/sufism_us_policy.pdf)
- Dickson, David A. Political Islam in Sub-Saharan Africa. US Institute of Peace, 2005.
- Rabasa, A., Benard, C., Schwartz, L. H., & Sickle, P., Building moderate Muslim networks (Vol. 574). Rand Corporation, 2007.
- Rabasa, Angel. Radical Islam in East Africa. Rand Corporation, 2009.
- Woodward, Mark, et al. "Salafi violence and Sufi tolerance? Rethinking conventional wisdom." Perspectives on Terrorism 7.6 (2013): 58-78.
- Lipton, Gregory A. "Secular Sufism: Neoliberalism, ethnoracism, and the reformation of the Muslim other." The Muslim World 101.3 (2011): 427-440.
3. Civil democratic Islam, partners, resources, and strategies.

۴. لازم به ذکر است که شریل بنارد همسر زلمای خلیل زاد، سفیر ایالات متحده در افغانستان است.

به همین قاعده، غرب را که پیش از این در قامت همپیمان خود در راه مبارزه با الحاد سرخ می‌دید، در مقام «دیگری» جدید خود باز تعریف کرد. آشوب‌های گسترده جریان سلفی در خلال جنگ خلیج فارس، برآمدن دولت ترابی در سودان، خیزش طالبان در افغانستان، شکل‌گیری «الحمله الایمانیه»<sup>۱</sup> توسط صدام و ورود حماس به فاز نظامی با تشکیل گردان‌های عزالدین قسام نمونه‌هایی از تحرکات غرب ستیزانه محور «نو» سلفی در این مقطع است.

## واکنش راست‌گرایان محافظه‌کار

به موازات رشد ستیزه‌جویی علیه غرب در میان طیف سلفی، سیاست‌گذاران غربی نیز در طول دهه نود به دنبال طرحی برای مهار زدن بر جریانی بودند که خود در ریشه دواندن آن در سراسر منطقه دست داشتند. این تأملات و مطالعات که تا پیش از ۱۱ سپتامبر کمتر علنی می‌شد به دنبال یافتن عناصری درون بافت جامعه اسلامی برای کنترل طیف تندروی سلفی بود. نتایج این مطالعات که بعداً بخش‌هایی از آن در جامعه علمی منعکس گردید از اهتمام جدی غرب به عامل دین برای کنترل تحولات خاورمیانه حکایت می‌کرد.

از منظر این ادبیات، عامل دین، در کنار سایر عوامل تأثیرگذار بر قدرت باید به دقت مورد مطالعه قرار می‌گرفت و متناسب با اقتضات و شرایط منطقه، تدبیر می‌شد. برآیند این مطالعات و تدابیر که پس از حادثه یازده سپتامبر در سطح عمومی منتشر گردید، آن بود که باید با جریان‌های صوفی جهان اسلام اتحادی راهبردی برقرار کرد تا آنها عقیده جدایی دین از سیاست را در جوامع اسلامی گسترش دهند.

در تابستان سال ۲۰۰۳ موسسه «رند»<sup>۱</sup> مطالعاتی را منتشر کرد که در آن خواستار ایجاد یک اتحاد راهبردی با تصوف برای مقابله با افراط‌گرایی مذهبی در جهان اسلام بود. در کنار این مورد، مطالعات زیادی بین

1. RAND corporation.

رابطه با هر یک از چهار دسته بالا اینگونه تصویر می‌کند:

#### حمایت از مدرنیست‌ها در وهله اول

- چاپ و پخش آثار آنها با قیمت یارانه‌ای
- تشویق آنها به نوشتن برای مخاطبان عام و جوانان
- ارائه دادن نظرات آنها در برنامه‌های درسی اسلامی
- سپردن بستر عمومی به آنها
- در دسترس مخاطبان انبوه قرار دادن نظرات اساسی آنها در تفسیر اسلام
- ارائه دادن سکولاریسم و مدرنیسم به عنوان گزینه جایگزین به جوانان مسلمان ناامید
- تسهیل و تشویق آگاهی از فرهنگ قبل اسلام و فرهنگ‌های غیر اسلامی کشورها، در رسانه‌ها و برنامه‌های درسی
- حمایت از توسعه سازمان‌های مدنی برای به وجود آوردن فرهنگ مدنی

#### حمایت از سنت‌گرایان در مقابل بنیادگرایان

- عمومی کردن انتقاد سنت‌گرایان از خشونت و افراط‌گرایی بنیادگرایان. تشویق اختلافات بین سنت‌گرایان و بنیادگرایان
- مذمت اتحاد میان سنت‌گرایان و بنیادگرایان
- تشویق روابط میان مدرنیست‌ها و سنت‌گرایانی که در انتهای طیف سنت‌گرایی متمایل به مدرنیسم هستند.
- آموزش دادن سنت‌گرایان برای مقابله با بنیادگرایان
- تقویت حضور مدرنیست‌ها در مؤسسات سنت‌گرایان
- تبعیض قائل شدن میان طیف‌های مختلف سنت‌گرایان. تشویق بیشتر طیفی که به مدرنیست‌ها نزدیک‌ترند، مانند حنفی‌ها
- تشویق محبوبیت و پذیرش صوفی‌گری
- مواجهه و تقابل با بنیادگرایان
- به چالش کشیدن تفسیر آنها از اسلام و نشان دادن بی‌دقتی‌های آنها

دموکراتیک، دارای اقتصادی با دوام، دارای سیاستی با ثبات، دارای جامعه‌ای مترقی و پیرو قوانین و هنجارهای رفتاری بین‌المللی.» (Benard 2005: p9)

او هدف قدرت‌های غربی از حمایت این نوع اسلام را جلوگیری از برخورد تمدنی در اشکال مختلف خود مانند ناآرامی‌های داخلی در کشورهای اسلامی تا افزایش ستیزه‌جویی در جهان اسلام و پیامدهای آن مانند بی‌ثباتی و تروریسم می‌داند.

او جریان‌های اسلامی را به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند:

- بنیادگرایان: ارزش‌های دموکراتیک و فرهنگ معاصر غربی را نفی می‌کنند. آنها یک کشور اقتدارگرا و خالص می‌خواهند که دیدگاه افراطی آنها از قوانین و اخلاق اسلامی را به اجرا بگذارد. آنها مایل به استفاده از نوآوری و فناوری مدرن برای دستیابی به این هدف هستند.
- سنت‌گرایان: خواهان جامعه محافظه‌کار هستند. آنها به مدرنیته، نوآوری و تغییر مشکوک هستند.
- مدرنیست‌ها: می‌خواهند جهان اسلام بخشی از مدرنیته جهانی شود. آنها می‌خواهند اسلام را مدرنیزه و اصلاح کنند تا آن را با عصر جدید هماهنگ کنند.
- سکولارها: می‌خواهند که جهان اسلام تقسیم کلیسا و کشور را به شیوه دموکراسی‌های صنعتی غربی بپذیرد، و اینکه دین به حوزه خصوصی منتقل شود. (Benard 2005: p10)

بنارد البته مدرنیست‌ها را برای انتقال و گسترش پیام اسلام دموکراتیک، از نظر عقیدتی بهترین گزینه می‌داند، اما در عمل آنها موانع زیادی برای اثربخشی دارند که باعث کاهش کارایی آنها می‌شود و برای جبران این ضعف نیاز به خلق شریکی صوفی برای آنها احساس می‌کند که با اسلام مورد نظر آمریکا همزیستی کند. او پیشنهاد می‌کند که غرب همراه با طرفداران محلی خود از تصوف حمایت کنند، زیرا تصوف نماینده تفسیر بازی از اسلام است. بنارد در جمع‌بندی مطالعه خود رتوس اجرایی برنامه غرب را در



در توده‌های مسلمان، نیاز به حداقل دخالت دولتی و محدودسازی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی داشت و با طبع لیبرالی سازگارتر بود.

در برابر وجوه مثبت بازسازی روابط با بلوک اسلام‌گرای نوسلفی، برای طیف لیبرال ابعاد سلبی نقش آفرینی جریان صوفی در عرصه سیاست نیز برجسته بود. از موسسات بزرگی همچون بروکینگز، کارنگی تا موسسات کوچک اما هدفمندی همچون Gulf State Analytics و MENA analytica در این مدت تلاش کردند توازن به هم ریخته در ادراک غرب نسبت به سنتی‌ها و اسلام‌گرایان نوسلفی را تعدیل نمایند.

دیدگاه منفی طیف یادشده به تصوف عمدتاً متکی بر تشکیک در پایداری و کارکرد ترکیبی است که صوفیه و حامیان آن میان اقتدارگرایی و رواداری پدید آورده‌اند. محققانی چون مارک سدویک، آلیکس فیلیپون، فیت مودینی، یانوس کورگیوتیس، و نویسندگانی مانند آنله شلین، جورجو کافیرو و آندریاس کریگ جزء نام‌هایی هستند که آثار مورد توجهی در این طیف عرضه کرده‌اند.<sup>۱</sup>

از دید این طیف، سیاسی کردن تصوف، برنامه‌ای است که توسط دولتمردان حاکم، برای تنگ‌تر کردن کنترل بر مردم استفاده شده است. تصوف در طول تاریخ نقش

■ آشکار کردن ارتباطات آنها با گروه‌ها و فعالیت‌های غیرقانونی

■ عمومی کردن عواقب رفتارهای خشونت‌طلبانه آنها

■ نشان دادن ناکارآمدی آنها در اداره جامعه

■ رساندن این پیام به جوانان، مسلمانان پرهیزگار، اقلیت‌های اسلامی در غرب و زنان

■ نشان دادن آنها به عنوان افرادی پریشان و بزدل و نه قهرمان اهریمنی

■ تشویق رسانه‌های به نشان دادن فساد و دورویی و بی‌اخلاقی در بنیادگرایان و حلقه‌های تروریستی

■ تشویق انشعابات میان بنیادگرایان

■ حمایت انتخابی از سکولارها

■ شناساندن بنیادگرایی به عنوان دشمن مشترک و دورنگه داشتن سکولارها از اتحاد با طرف‌های ضد آمریکایی مانند ملی‌گراها و چپ‌ها

■ حمایت از ایده جدایی دین از سیاست در اسلام و اینکه این ایده سبب به خطر افتادن عقاید نمی‌شود بلکه می‌تواند آن را تقویت کند. (Benard 2005: pp 11-12)

با دقت در آنچه در این متن اساسی به آن توجه داده است، می‌توان بسیاری از رفتارها و جهت‌گیری‌های سیاست‌ورزان غربی و مجریان منطقه‌ای آنها در منطقه آسیا (از شرق تا غرب) و شمال آفریقا رمزگشایی کرد.

## واکنش چپ‌گرایان لیبرال

واکنش جناح راست‌گرا و محافظه‌کار در غرب، هرچند بر اثر تنش‌های بی‌سابقه دهه نود و ابتدای هزاره جدید میلادی در آمریکا غالب شده بود، اما جناح لیبرال نیز تدریجاً توانست روایت خود را از حاشیه به متن بازگرداند. این دیدگاه عمدتاً بر اصلاح همان متحدان قدیمی غرب در جهان اسلام متکی بود و نه جستجوی شرکای جدیدی همچون صوفیه یا اسلام سنتی. در این دیدگاه بازسازی روابط با گونه‌های اصلاح‌شده اسلام‌گرایان به سبب نفوذ بالفعل این طیف

۱. به ترتیب بنگرید به:

Piraino, Francesco, and Mark Sedgwick, eds. *Global Sufism: Boundaries, Narratives and Practices*. Oxford University Press, 2019.

Philippon, Alix. *Soufisme et politique au Pakistan: le mouvement barelwi à l'heure de "la guerre contre le terrorisme"*. KARTHALA Editions, 2011.

Muedini, Fait. *Sponsoring Sufism: How governments promote "mystical islam" in their domestic and foreign policies*. Springer, 2015.

Kourgiotis, Panos. "'Moderate Islam' Made in the United Arab Emirates: Public Diplomacy and the Politics of Containment." *Religions* 11.1 (2020): 43.

Philippon, A. "Positive Branding and Soft Power: The Promotion of Sufism in the War on Terror." *Brookings*. (2018).



وی علاوه بر اشاره به این ادراک غلط از گذشته روادارانۀ صوفیه با استناد به تجارب برآمده از سرمایه‌گذاری غرب بر این جریان، این سیاست را غیرسازنده توصیف می‌کند. به زعم او چنین سیاستی به آسیب‌پذیری بیشتر تصوف و البته رادیکال‌تر شدن توأمان تصوف و مخالفان مذهبی آن در برخی موارد منتهی گردیده است. (Philippon 2018)

محمد عماشه یکی از پژوهش‌گران نزدیک به اخوان است که تلاش کرده تبیینی علمی‌تر از دیدگاه‌ها بدبینانه به تصوف سیاسی خصوصاً از بعد اصالت و استقلال این جریان ارائه دهد. او در مطالعه خود در زمینه تصوف اماراتی با تطبیق نظریۀ جانانان فاکس<sup>۱</sup> در کتاب «درآمدی بر دین و سیاست: نظریه و عمل»<sup>۲</sup> بر این جریان تلاش می‌کند بر اساس شش متغیر، میزان استقلال نهاد تصوف اماراتی را به آزمون بگذارد:

۱. وجود مذهب رسمی
۲. حمایت از آزادی مذهبی
۳. نقش دولت در تعیین رهبران مذهبی
۴. موضع رسمی رهبران مذهبی به سیاست‌های دولت
۵. تامین مالی توسط دولت
۶. فراملیتی بودن نهاد دینی

وی با تطبیق شش متغیر معرفی شده توسط فاکس بر شبکه تصوف اماراتی تمام آنها را در راستای عدم استقلال این شبکه و نهاد‌های مرتبط به آن ارزیابی می‌کند. در مورد پارامتر ششم عماشه ضمن صحه گذاشتن بر اینکه این شبکه توانسته است فاعلیتی فراملیتی پیدا کند. در عین حال وی با تأکید بر این نکته که این فاعلیت مخلوق مجموعه دولت‌های هماهنگی است که صوفیه را حمایت می‌کنند، این متغیر را نیز در راستای استقلال تصوف اماراتی تفسیر نمی‌نماید. (عماشه ۲۰۱۸: ص ۶)

1. Jonathan Fox.

2. An Introduction to Religion and Politics: Theory and Practice,

بی‌بدیلی در آرام کردن گروه‌های حاشیه‌نشین اجتماعی مانند دزد‌ها، راهزن‌ها و اراذل و اوباش داشته است و برای از بین بردن خطر شورش و انقلاب در آنها ایفای نقش می‌کرده است. اصلی‌ترین کارکرد صوفیه برای حکومت‌ها، تخلیه فشار روانی در گروه‌های حاشیه‌نشین اجتماعی و مطیع کردن آنها نسبت به حکومت است، که سبب جلوگیری از جنبش‌های اعتراضی شود.

از نظر شلاین، اسلام اعتدالی در میان مسلمانان تبدیل به مفهومی مصنوعی شده است. این کلیدواژه دست‌مایه نزدیکی به سیاست‌های آمریکا است که در هر دوره زمانی سمت و سویی متفاوت دارد و در نتیجه اعتدال نیز در هر دوره یک معنا پیدا می‌کند. گنگی مفهوم اسلام معتدل، سبب سوء استفاده حکومت‌های محافظه‌کار عرب از این اصطلاح شده است تا از آن پوششی زیبا برای اعمال خود درست کنند. (Sheline 2017)

آندریاس کریگ نیز به نوبه خود با اشاره به تلاش امارات برای جا انداختن صوفیه به عنوان «اسلام اصیل» و دارویی برای افراط‌گرایی سلفی، این رویکرد را ساده‌انگارانه می‌داند. از دیدگاه او این پروپاگاندا با معطوف کردن توجهات به بعد الهیاتی افراط‌گرایی مانع توجه به شواهدی تجربی می‌گردد که حکایت از زمینه‌های اجتماعی-سیاسی این پدیده دارند. (Krieg 2020)

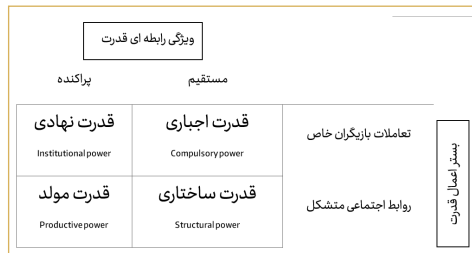
فیلیپون دیگر محقق است که در این مورد می‌آورد:

«مروری کوتاه به تاریخ سیاسی صوفیه و نحوه ادراک آن از دول غربی نشان می‌دهد که چگونه این نوع ایده‌آل‌سازی [از تصوف] می‌تواند گمراه‌کننده باشد. زمانی بود که «خطر اسلامی» با سلفیان جهادی مانند اسامه بن لادن یا رهبر داعش ابوعمر البغدادی شناخته نمی‌شد، بلکه بیشتر رهبران طریقت‌های صوفیان بودند که مقاومت در برابر قدرت‌های اروپایی را به عهده داشتند. در دوران استعمار، تصوف به وضوح به عنوان یک تهدید تلقی می‌شد. از الجزایر تا هند، طرق صوفی جهاد علیه قدرت‌های استعماری شد راهبری می‌کردند و منبع هراس برای کارگزاران اروپایی بود.» (Philippon 2018)

## چهارچوب نظری قدرت مولد

مایکل بارنت و ریچارد دووال در مقاله‌ی خود به نام «قدرت در سیاست بین الملل»<sup>۱</sup> قدرت را به عنوان یک مفهوم محوری در روابط بین الملل مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها در این مقاله با انتقاد نسبت به تعریف متداول از قدرت که باعث شده انواع مختلفی از آن نادیده گرفته شود، دست به ارائه چهارچوب مفهومی جدیدی از قدرت می‌زنند.

آنها با تحلیل مفهوم قدرت، آن را در دو بُعد متقاطع تقسیم می‌کنند: در بُعد ویژگی رابطه‌ای<sup>۲</sup> قدرت، آن را به قدرت مستقیم<sup>۳</sup> و قدرت پراکنده<sup>۴</sup> و در بُعد بستر اعمال قدرت، آن را به اعمال قدرت از طریق تعامل بازیگران خاص یا روابط اجتماعی متشکل تقسیم می‌کنند. با تقاطع دادن این دو بُعد از مفهوم قدرت به چهار نوع از قدرت می‌رسیم:



انمودار تقسیم بندی قدرت از دیدگاه بارنت و دووال

قدرت مولد که مفهوم مورد نظر ما در این مقاله است، قدرتی است که به لحاظ ویژگی رابطه‌ای قدرت، پراکنده است و بستر اعمال آن، روابط اجتماعی طبیعی است. قدرت مولد مانند قدرت ساختاری به فرآیندهای اجتماعی سازنده‌ای توجه دارند که هر چند توسط کنشگران خاصی کنترل نمی‌شوند، اما از اعمال معنادار این کنشگران تأثیر می‌پذیرند. قدرت مولد بررسی می‌کند که چگونه ظرفیت اجتماعی بازیگران در بستر فعالیت‌های اجتماعی ساخته

1. Power in International Politics.
2. Relational specificity.
3. Direct power.
4. Diffuse power.

می‌شود و این روند چگونه هویت بازیگران و تمایلات آنها را شکل می‌دهد. اما قدرت مولد در مقابل قدرت ساختاری، مستلزم فرآیندهای اجتماعی عمومی و پراکنده است که همه سوژه‌های اجتماعی متشکل را با قدرت‌های گوناگون چه در ساختار دانشی و چه در ساختار گفتگومانی در یک دامنه وسیع عمومی در بر بگیرد.

قدرت مولد به گفتمان‌های حاکم، فرآیندهای اجتماعی و نظام‌های ادراکی‌ای توجه می‌کند که از طریق آنها معانی تولید و تثبیت می‌شوند و در زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارند، تجربه می‌آفرینند و سبب دگرگونی می‌شوند. در این چهارچوب فرآیندها و عملکردهای گفتمانی هستند که هویت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی را تولید می‌کنند و به آنها معنا می‌بخشند. (Barnett & Duvall 2005: pp 55-56)

## زمینه‌های بارگزاری پروژه حمایت از تصوف در امارات متحده عربی

### جامعه‌شناسی مذهبی کشورهای خلیج فارس

پس از شکل‌گیری سیاست ترویج صوفیه در اندیشکده‌های غربی، در مرحله عمل، زمینه گسترده‌ای برای بارگزاری این سیاست در کشورهای حاشیه خلیج فارس یافت نمی‌شد.

کویت به علت فضای باز سیاسی و حضور اسلام‌گرایان معتدل در تار و پود ارکان سیاست این کشور گزینه مناسبی نبود. عربستان سعودی نیز سالها محل رشد و نمو جریان‌های افراط‌گرای سلفی و وهابی بود. قدرت جریان وهابی در عربستان سعودی و ضدیت دیرینه این اندیشه با دیدگاه‌ها و مناسک صوفیانه، بارگزاری این پروژه در

خود میزبانی می‌کرد. او به طور جدی و اصولی از مواضع اسلام‌گرایانه علی‌الخصوص در مسأله فلسطین پشتیبانی می‌کرد.

او به انگیزه ریشه دادن آموزه‌های اسلام‌گرایانه در فرزندان خود، یکی از اعضای برجسته اخوان المسلمین را به معلمی ایشان گمارد. عزالدین ابراهیم، مشاور فرهنگی زاید بن سلطان، تعلیم دهنده آموزه‌های اسلام‌گرایانه به شاهزاده جوان، یعنی محمد بن زاید شد. محمد بن زاید در معدود اطلاعاتی که از او موجود است گفته است که وحشت او از اسلام‌گرایان بیشتر جنبه شخصی دارد. زیرا تلقین آموزه‌های اسلام‌گرایانه بر او نتیجه معکوس داشته است و او را به شدت از این مسلک بیزار کرده است. او می‌گوید:

«من یک عرب هستم، یک مسلمان هستم و دعا می‌کنم. و در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ من یکی از آنها (اسلام‌گرایان) بودم.» (Kirkpatrick 2019)

سرّ دشمنی او با اسلام‌گرایان در این نکته نهفته است که او معتقد است فعالیت اسلام‌گرایان معتدل در جوامع عربی و روند حرکت جوامع به سمت دموکراسی به تبع آن، روند درست و مطلوبی برای این منطقه نیست و در هر انتخابات آزادی اسلام‌گرایان پیروز خواهند شد؛ زیرا جهان عرب آماده پذیرش دموکراسی نیست. او در جلسه‌ای در سال ۲۰۰۷ به مقامات آمریکایی گفته است:

«در هر کشور مسلمانی، نتیجه مشابهی را خواهید دید [یعنی پیروزی اسلام‌گرایان]... خاورمیانه کالیفرنیا نیست.» (Kirkpatrick 2019)

### تشدید برخورد با اسلام سیاسی

لازم به ذکر است که اساسا روند قدرت یافتن و استیلای محمد بن زاید بر مقدرات کشور امارات متحده عربی، با سرکوب اسلام‌گرایان این کشور یعنی حزب اصلاح که شاخه اخوان المسلمین در شبه جزیره عربستان است، گره خورده است. در سال ۲۰۰۶ طی برنامه‌ای که محمد بن زاید آن را رهبری می‌کرد تعداد زیادی از کارمندان عضو جنبش

عربستان سعودی را با مشکل روبرو می‌کرد. لازم به ذکر است که مذهب رسمی قطر نیز همانند عربستان سعودی، وهابیت است و از این رو بارگزاری این پروژه در فضای قطر، با همه قوت رسانه‌ای آن، چندان مناسب نبود؛ علاوه بر اینکه اسلام‌گرایان نوسلفی نفوذ عمیقی در تمامی ارکان سیاست ورزی در قطر داشتند. عمان نیز با مذهب اباضی خود هر چند که انعطاف و پذیرش خوبی نسبت به صوفیه داشت و صوفیان از دیرباز در این جغرافیا فعال بودند، اما نمی‌توانست نقش محوری و تعیین کننده‌ای در اجرای این پروژه داشته باشد.

اما امارات متحده عربی از چند جهت، آماده بارگزاری و هدایت این پروژه در منطقه خلیج فارس بود:

۱. فضای لیبرال امارات متحده عربی و عدم حضور جریان‌های افراطی که با تعالیم و مناسک صوفیانه ضدیت و عناد جدی دارند.

۲. کنترل کامل دولت بر فضای فرهنگی و دینی امارات متحده عربی.

۳. وجود ریشه‌های صوفیانه در امارات متحده عربی با وجود تاریخ محدود این منطقه.

۴. اراده حکمرانان ابوظبی برای مقابله جدی با اسلام سیاسی و از بین بردن جریان‌های اسلام‌گرا در کشور خود.

۵. اراده جدی حکمرانان ابوظبی برای تحکیم روابط خود با ایالات متحده آمریکا و شناساندن خود به عنوان متحدی قابل اتکا، توانمند و عملگرا.

### وضعیت امارات در آستانه تفویض ماموریت

دو عنوان اخیر از فهرست گذشته راکمی بیشتر توضیح دهیم. شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، بنیانگذار کشور امارات متحده عربی، اولین رییس این کشور و امیر منطقه ابوظبی، یعنی پدر محمد بن زاید، ولیعهد فعلی و حاکم بالفعل امارات متحده، تمایلات جدی و غیر قابل انکاری به اسلام‌گرایی داشت و اسلام‌گرایان زیادی را در کشور

می‌شود روی او حساب کرد. (Kirkpatrick 2019)

از این رو بود که امارات متحده عربی، در کنار پروژه‌های بسیار دیگری که در عرصه‌های امنیتی، اطلاعاتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی با آمریکا شراکت داشت، در پروژه ترویج اسلام صوفیانه نیز شریک این کشور گردید.

## اسلام‌گرایان معتدل؛ پلی برای افراط‌گرایی یا سدی مقابل آن؟

ضمناً سیاست مداران اماراتی در تعاملی که با هم‌تایان آمریکایی خود داشتند توانستند این سؤال را در ذهن آنها تثبیت کنند: «آیا گروه‌های اسلام‌گرای معتدل، پلی به سمت اسلام رادیکال هستند یا محافظی در مقابل آن؟» اماراتی‌ها معتقدند که حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای معتدل به جای آنکه بتواند جامعه را در مقابل اسلام‌گرایان تندرو محافظت کند، مانند پلی جوامع را به آن سو می‌برد و تا حدی هم توانستند این نظریه را در آمریکا جا بیاورند. می‌توان ارائه لایحه‌ای به کنگره آمریکا برای شناسایی اخوان المسلمین به عنوان یک سازمان تروریستی در سال ۲۰۱۶ را - همانگونه که این گروه در امارات متحده عربی به عنوان یک سازمان تروریستی ثبت است - تلاشی در همین راستا دانست. البته بعید به نظر می‌رسد که چنین لویحی تصویب شوند، اما نشان دهنده دایره تأثیر این نظریه در پایتخت آمریکا است. (Roberts 2019)

## احیای دیرهنگام تصوف عربی

جنبش احیای صوفیه از دهه آخر قرن بیستم تا به امروز در جهان به راه افتاده است، منتها در زمان شروع این روند، عالم عربی از آن کم بهره بود و بیشتر آثار این جنبش در آسیای میانه، اروپا، آمریکا و آسیای جنوبی قابل مشاهده بود.

از دیرباز صوفیه نقش زیادی در گسترش اسلام در بخش‌های میانی و شرقی آسیا و آفریقا داشته است. پس از حمله مغول و فتح بغداد، بار اصلی گسترش اسلام در آسیای میانه به عهده صوفیه بوده است. اما با ظهور اتحاد

الاصلاح از کار اخراج شدند. در دوره انقلاب‌های عربی این مقابله‌ها تشدید شد و تعداد زیادی اخراج و دستگیر و زندان شدند. جنبش «الاصلاح» منحل شد و اخوان المسلمین به عنوان گروهی تروریستی ثبت شد. ناگفته نماند که در این دوره، برخوردها محدود به حزب اصلاح نماند و بسیاری از اندیشکده‌ها و موسسات مدنی و... که اصلاً اسلام‌گرا نبودند هم تعطیل شدند و آزادی بیان از میان رفت.

ره‌آورد انقلاب‌های عربی برای اماراتی‌ها و محمد بن زاید، بدبینی شدید نسبت به اسلام‌گرایان بود. او اسلام‌گرایان را فرصت طلبانی می‌دانستند که در گوشه‌ای منتظر نشسته‌اند و از اختلافات طبقاتی و اقتصادی جامعه برای نیرو گرفتن سوء استفاده می‌کنند. (Roberts 2019)

## تقویت هم‌پیمانی با آمریکا

از جهت دیگر محمد بن زاید سالها تلاش کرد تا خود را در وا‌اشنگتن به عنوان یک متحد عملگرا، با عرضه و توانمند بشناساند تا بتواند در بازی‌های سیاسی خاورمیانه، نقش محوری پیدا کند. او به واسطه سفیر قدرتمند خود در ایالات متحده، یعنی یوسف العتیبی عملیات نفوذ بی‌نقصی به قلب وا‌اشنگتن اجرا نمود.

از سوی دیگر، پنتاگون نیز که به دنبال ایجاد متحدان مناسب در خلیج فارس بود، شاهزاده محمد را از همان سنین جوانی که به عنوان فرمانده نیروی هوایی امارات متحده عربی خدمت می‌کرد، به عنوان یک شریک آینده‌دار معرفی کرده بود. ریچارد ای. کلارک، که آن زمان دستیار وزیر امور خارجه بود، به کنگره آمریکا اطمینان داد که شاهزاده جوان هرگز «یاغی» نخواهد شد. محمد بن زاید برای اثبات کردن هر چه بیشتر خود به آمریکایی‌ها به عنوان وزیر دفاع، ایالات متحده را در یورش به عراق، کوزوو، افغانستان، لیبی، سومالی و جنگ علیه داعش یاری داد. برای بسیاری از سیاست‌مداران در وا‌اشنگتن، شاهزاده محمد به بهترین دوست آمریکا در منطقه تبدیل شده بود؛ یک شریک و وظیفه‌شناس که برای انجام هر وظیفه‌ای از مقابله با نفوذ ایران در لبنان گرفته تا تأمین بودجه ساخت و ساز در عراق

جماهیر شوروی، مدارس صوفیه بسته شد و از فعالیت آنها در این منطقه جلوگیری شد و تاریخ صوفیه در این منطقه تا حدی به دست فراموشی سپرده شد، تا جایی که حتی پس از فروپاشی شوروی، در خاطره مردم آسیای مرکزی اثر چندانی از صوفیه وجود نداشت. و این رخنه هویتی بعدها با تفکر مودودی یا سلفی وهابی پر شد.

البته برخی از دولتهای آسیای مرکزی نظیر ازبکستان به اهمیت بازگشت هویت صوفی پی بردند و سعی کردند که رابطه‌ای میان مفهوم جامعه مدنی و برخی از ارزشهای صوفی برقرار کنند. در برخی کشورهای دیگر نیز نظیر ترکمنستان برخی مناسک صوفیه مانند زیارت ضریح‌ها دوباره رونق گرفت. در دهه‌های اخیر صوفیه در قرائت‌ها و اشکال مختلفی در کشورها مختلف آسیایی و آفریقایی بازتولید شده است. جنبش فتح‌الله گولن در ترکیه، احیای صوفیه در آسیای میانه و قفقاز پس از برچیده شدن شوروی و رونق گرفتن مشاهد و مناسک صوفیه در مصر، نمونه‌هایی از این پدیده است. (عبدالوهاب، الجمیری و دیگران ۲۰۱۳: ص ۲۹۵)

اما جغرافیای عربی خلیج فارس سهمی از این پدیده نداشت و اقتضائات پیش گفته الزام می‌کرد که روندی هدایت شده برای رونق دادن صوفیه در این منطقه پیاده شود. امارات متحده، علاوه بر دلایل پیش گفته به خاطر حضور ریشه دار فقه مالکی، طریقت‌های صوفیه و حضور موثر و قدرتمند آن در قلب سلفیت، یعنی حاشیه خلیج فارس، می‌توانست بهترین گزینه برای آغاز این روند باشد.

## ریشه‌های تصوف در امارات

منابع تاریخی در مورد ورود تصوف به امارات متحده عربی جداگیم است. البته این مسأله موضوع عجیبی نیست، زیرا ساحل دزدان دریایی<sup>۱</sup>، برای تاریخ نویسانی که به این سرزمین می‌آمدند، جذابیتی نداشت. اگر کسی قصد تاریخ نگاری داشت، تمدن باستانی ایران و منطقه حجاز به

۱. نام کهنه سرزمینی که اکنون قطر، بحرین و امارات متحده در آن تشکیل شده‌اند.

عنوان گهواره تمدن اسلام موضوعات جذاب تری داشتند. تاریخ صوفیه در ساحل جنوبی خلیج فارس ناواضح است، تا جایی که لوریمر در کتاب راهنمای خلیج آورده است که صوفی‌ها در خلیج حضور ندارند. (عبدالوهاب، الجمیری و دیگران ۲۰۱۳: ص ۱۱)

اما قدیمی‌ترین نشانه‌ها از حضور صوفیه در امارات متحده عربی مربوط به قرن هفده میلادی در منطقه رأس الخیمه است که به نظر می‌رسد مربوط به صوفیان سیاح<sup>۲</sup> یمنی باشد. صوفیان این منطقه طریقه علویه حدادیه داشته‌اند. پس از آن، در قرن ۱۹ طریقه صوفیه قادریه در بی به دست سید محمد عمر افغانی تاسیس شد. البته به طور عمومی تصوف در قرن هجدهم با اوج گرفتن دعوت وهابی در شبه جزیره و عداوتی که وهابی‌ها با صوفیان داشتند، از میان رفت. اما در شیخ نشین دبی، تصوف تا امروز باقی مانده است. باقیمانده جریان تصوفی که افغانی راه انداخت رهنوز می‌توان در مناطق قدیمی دبی و بخش‌هایی از کشور عمان یافت.

امکان بقای تصوف در دبی را می‌توان تحت تأثیر دو عامل دانست:

نپوستن دبی به دعوت وهابی و باقی ماندن بر مذهب مالکی و شافعی که با تصوف قرابت دارند (بر خلاف شارجه و رأس الخیمه که وهابی شدند).

ارادت خاندان حاکم بر دبی (آل مکتوم) مخصوصاً شیخ سعید بن مکتوم آل مکتوم (حاکم دبی در ۱۹۱۲ تا ۱۹۵۸) به محمد افغانی. (عبدالوهاب، الجمیری و دیگران ۲۰۱۳: ص ۹)

گزارش‌ها می‌گویند رفتار اجتماعی شیخ محمد افغانی و پیروان او مبتنی بر عزلت و گوشه‌گیری نبوده است و به فعالیت‌های اجتماعی اهتمام داشته‌اند. او بنیانگذار جشن میلاد نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این شهر است که تا امروز ادامه

۲. سیاحه در فرهنگ صوفی معنای خاصی دارد و به معنای گردشگری مصطلح نیست. سیاحه به زبان ساده به معنای آن است که فرد بدون داشتن بار و بینه خاص و در نهایت سادگی، شهر به شهر و ده به ده سفر کند و پیام حقیقت را منتشر کند.

## روایت پیوند

### دوره تدارک (۲۰۰۱-۲۰۱۰)

چنانکه آمد طراحی پروژه تقویت تصوف در غرب و بستر مهیای امارات برای محوریت در این پروژه، دست به دست هم داد تا در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر پروژه یاد شده به شکل عملی کلید بخورد. نخستین تحرکات گزارش شده در امارات برای ترویج شیوخ و نمادهای صوفیانه از سال ۲۰۰۲ مشاهده می‌شوند. بی‌تردید شخصیت محوری در این پروژه کسی نیست جز «حبيب علی الجفري»<sup>۱</sup>. مصاحبه‌ای با او در میانه ۲۰۰۲ راجه‌نخستین اسناد شکل‌گیری این حرکت باید دانست. او در این مصاحبه تصریح می‌کند که فعالیت‌های تبلیغی‌اش را در امارات متمرکز کرده است. (الاهرام ۲۰۰۲) پیش از این مقطع مهمترین تمرکز جفري بر نفوذ در صوفیه مصر به واسطه نزدیک شدن به «جمعیت آل‌البیت» در مصر بوده است. روابط او با این مجموعه و ترویج وی توسط «وجدی العربی» هنرپیشه مصری و سپس اخراج او از مصر در ۲۰۰۱ نخستین عوامل جلب توجه بازیگران منطقه‌ای به وی بوده است. (مأرب پرس ۲۰۱۲)

همایش «سیدی شقیر» مغرب در ۲۰۰۴ نقطه مهم دیگری در این مسیر است که می‌توان آن را نقطه اتصالی میان تصوف نقشبندی به رهبری هشام کبانی<sup>۲</sup> و تصوف باعلوی به مدیریت جفري دانست. نقشبندی به سبب عمق نفوذ خود در آسیای میانه و جنوب شرق، حضور و روابط مستقیمی با غرب داشتند. لذا برای تحویل پروژه از اتاق فکرهای غرب به امارات چنین گردهم‌آیی با رهبران تصوف مسلط بر شبه جزیره ضروری می‌نمود.

۱. در مورد او و دیگر شخصیت‌های کلیدی این پروژه به پیوست شخصیت‌شناسی در انتهای همین مقاله مراجعه گردد.

۲. هشام کبانی شیخ طریقت نقشبندی حقایق و از چهره‌های جهانی تصوف است. برای اطلاعات بیشتر در مورد او بنگرید به مدخل مربوط به وی در کتاب «اطلس رهبران»، نشر معارف، ۱۳۹۴. مصطلح نیست. سیاحه به زبان ساده به معنای آن است که فرد بدون داشتن بار و بنه خاص و در نهایت سادگی، شهر به شهر و ده به ده سفر کند و پیام حقیقت را منتشر کند.

پیدا کرده است. به طور کلی برگزاری این جشن، از مهم‌ترین مناسک صوفیانه در جهان اسلام است و هنر «مالد» نام دارد. (عبدالوهاب، الجمیری و دیگران ۲۰۱۳: ص ۹)

البته دایره فعالیت‌های اجتماعی افغانی محدود به برگزاری مناسک صوفیانه نمی‌شد. گفته شده است که اساساً او برای خرید و ارسال سلاح به افغانستان به دبی آمده بوده است. او سلاح‌ها را برای انقلابیون ضد استعماری افغانستانی ارسال می‌کرده است.

روایت شده است که در سال ۱۹۱۵ افغانی صد اسلحه می‌خرد تا به افغانستان بفرستد. راه قاچاق اسلحه به افغانستان از طریق سواحل مکران بوده است و به همین منظور به سواحل مکران می‌رود. انگلیسی‌ها جریان را می‌فهمند و از برکات خان حاکم مکران می‌خواهند که افغانی را تحویل دهد. اما برکات خان که از مریدان افغانی بوده است او را تحویل نمی‌دهد و به همین دلیل انگلیس تصمیم به کشتن او می‌گیرد. نهایتاً افغانی با همکاری یک جاسوس و خادم خودش ترور می‌شود. (عبدالوهاب و جمیری ۲۰۱۳: ص ۲۹)

پس از افغانی، عبدالله المرید و فرزند او عبدالرحیم المرید رهبری جریان تصوف را در دبی بر عهده می‌گیرند و پس از درگذشت عبدالرحیم المرید در سال ۲۰۰۷ بین پیروان او اختلاف می‌افتد و صوفیه دبی دچار رکود و سرگردانی شده، جایگاه سابق خود را از دست می‌دهند.

لازم به ذکر است که خانواده حاکم دبی یعنی آل مکتوم به دست افغانی صوفی می‌شوند. از مهم‌ترین مریدهای افغانی در این خاندان، شیخ سعید بن مکتوم بن حشر آل مکتوم - پدر بزرگ شیخ محمد بن راشد بن سعید، حاکم فعلی دبی - است. حتی نقل شده است که به امارت رسیدن شیخ سعید پس از مرگ بطی بن سهیل آل مکتوم، به واسطه کراماتی از طرف افغانی بوده است. شیخ سعید برای رسیدن به حکومت و فائق شدن بر رقبای سرسخت از افغانی طلب دعا می‌کند و به دعای او به شکل شگفتی راه برای امارت شیخ سعید باز می‌شود. (عبدالوهاب، الجمیری و دیگران ۲۰۱۳: ص ۲۶)



در نهایت با جذب شدن علی الجفیری و شبکه تصوف باعلوی حضرمی به امارات، مصری‌ها مجبور به قبول این بازیگر جدید در قلمروی خود شدند. از این نقطه روابط شبکه الازهر و شبکه صوفیان نزدیک به ابوظبلی رو به گسترش می‌گذارد. سال ۲۰۰۹ رامی توان نقطه اوجی در این روابط به شمار آورد.

لازم به ذکر است که امارات متحده‌ی عربی در چهارچوب عملکردی «قدرت مؤلد»، از مباشرت در به وجود آوردن نهادها یا ساختارهای حکومتی که مستقیماً توسط آنها اثرگذاری داشته باشد، اجتناب کرده است و با ارتباط گرفتن با افراد مؤثر، شبکه‌های انسانی، ساختارها و نهادهای موجود، با ابزار مالی و سیاسی سعی در جهت‌دهی به آنها در راستای انجام پروژه ترویج تصوف کرده است. در این چهارچوب عملکردی از قدرت، بازیگر مورد نظر، که در این مقال، امارات متحده‌ی عربی است برای تولید و تثبیت قدرت سیاسی و فرهنگی خود و تضعیف قدرت رقبای موجود و محتمل، به شکل پراکنده و بابر بستر روابط اجتماعی متشکل موجود عمل کرده است. این عملکرد را می‌توان با عملکرد کشورهای دیگر مانند عربستان سعودی مقایسه کرد که با تأسیس رابطه العالم الاسلامیه، سعی در به وجود آوردن نهادها و ساختارهایی بودند که برای آنها قدرت آفرینی کند.

### دوره تقابل (۲۰۱۰ - ۲۰۱۶)

رخداد عظیم انقلاب‌های عربی برای جریان صوفیه، همچون بسیاری از بازیگران دیگر حاضر در منطقه فصلی جدید رقم زد؛ فصلی که این جریان متصف به تسامح و سکوت را وادار به تحولات تند و جنجالی نمود. باید توجه داشت، پیش از این دوره، شبکه تصوف اماراتی نه تنها جنبه سلبی پررنگی نداشت بلکه نسبت به رقبای اخوانی و سلفی به طور معمول موضع ایجابی می‌گرفت و بر اساس آنچه از سلوک صوفیانه انتظار می‌رود، سعی در برقراری ارتباط صلح‌جویانه با همه اطراف داشت.

پیش از وقوع انقلاب‌های عربی، شبکه تصوف وابسته

حضور جفیری در مهمترین مراکز و منابر حاکمیتی و با مشارکت سران ابوظبلی و دبی به روشنی بیانگر آغاز پروژه از راس ساختار قدرت امارات در این مقطع بوده است. در دو سال بعدی این پروژه از برنامه‌های پراکنده به قالب یک رویداد بزرگ با نام جایزه سالانه «پرده» ارتقا یافت. در خلال همین برنامه یک انتشارات با نام «دار الفقیه» نیز جهت نشر این جریان افتتاح گردید. رویداد پُرده هسته اولیه شکل‌گیری شبکه‌ای از شخصیت‌ها بود که بالاخره در سال ۲۰۰۵ در قالب موسسه «طابه» به ریاست علی الجفیری متشکل شدند.

فهرست اعضای مجلس استشاری «طابه» رامی توان آینه‌ی تمام‌نمای سران پروژه‌ی تصوف اماراتی دانست. احمد الطیب و علی جمعه از مصر، عمر بن حفیظ از یمن، عبدالله بن بیه از موریتانی، محمد سعید بوطی از سوریه و نوح القضاة از اردن نام‌های مندرج در این هیئت هستند که هر یک در کشور خود، از سرآمدان هستند.

«طابه» هرچند نقطه‌ای مرکزی در تشکل بخشی به حرکت تصوف سیاسی معاصر است اما طبعاً در این مسیر تنها نیست. جز شخصیت‌ها و موسسات واقع در امارات، تعدادی از موسسات خارجی نیز با مشورت تشکیلاتی «طابه»، شبکه‌ای فرامنطقه‌ای از مراکز را برای راهبری پروژه ترویج تصوف ایجاد کرده بودند. «دار الافتاء مصر»، «دار زاید للثقافه الاسلامیه»، «تریم للبحوث والاستشارات الفقهیه»، «مرکز نور للدراسات والابحاث»، «المدینه للانتاج والتوزیع»، «مرکز اللسان الام» رامی توان جزء این شبکه تحت مشورت طابه دانست. (عماشه ۲۰۱۸: ص ۱۸)

دسته دیگر عم مؤسسات شناخته شده‌ای هستند که هرچند قوت و اصالت آنها و رای قرار گرفتن در چتر تشکیلات ابوظبلی است اما هم‌پوشانی بالایی میان آنها و تشکیلات ابوظبلی وجود دارد. این ساختارها که تحت اشراف و حمایت دولتی قرار دارند، اضلاعی مکمل برای پروژه اماراتی به حساب می‌آیند و چهره‌های مشترک بسیاری در میان آنها به چشم می‌خورد: «الازهر» در مصر، «آل البیت» در اردن و «الرابطه المحمدیه» در مغرب.

به امارات، روابط خوبی با همه طرف‌ها داشت و علی الجفری علاوه بر حضور در شبکه‌های تلویزیونی اماراتی، در شبکه‌های قطری نیز برنامه اجرا می‌کرد. نمود دیگر این موضوع را باید استمرار حضور عبدالله بن بیته بر کرسی نائب رئیسی اتحاد علماء مسلمین تا پیش از استعفای او از این منصب چند هفته پس از فاجعه میدان رابعه دانست. یا نمود دیگر مشارکت بن بیته با عبدالوهاب طبریری (که یک عالم اخوانی است) در کنگره نقد فتوای دارالحرب این تیمیه است.

اما با بالا گرفتن انقلاب‌های عربی، جبهه‌های مختلف از یکدیگر فاصله گرفتند و روابط حسنه گذشته رو به سردی رفت. روابط صوفیه سیاسی و اسلام‌گرایان هرچه بود با آغاز دوره انقلاب‌های عربی به طور کلی دگرگون شد. مصر به عنوان مرکز تحولات عربی شاهد فعالیت شبکه تصوف اماراتی برای تضعیف انقلاب بود. جبهه‌ای که بعدها در رتوریک سیاسی عرب‌ها و علی‌الخصوص شبکه الجزیره قطر، محور «الثورات المضاده» یا محور ضد انقلاب نام گرفت. فتوای زود هنگام علی جمعه، مفتی وقت مصر در تحریم تظاهرات، نمادی مهم در این مسیر است. دفاع حمزه یوسف از این فتوا نشانگر انسجام شبکه تصوف اماراتی در مقابله با موج انقلابی است. (TRT 2018) احمد الطیب نیز با اندکی درنگ، پس از برکناری مبارک به تحریم‌کنندگان تظاهرات پیوست. (تجربیشی، عظیمی و دیگران ۱۳۹۴: ص ۳۸) با این حال بن بیته ترجیح داد تحولات را با سکوتی نسبی پیگیری نماید و تنها نسبت به آشوب‌های پیش آمده اظهار نگرانی کند.

علی الجفری با استفاده از حاشیه امنی که حضور در امارات برای او فراهم می‌کرد با زبانی صریح علیه اسلام‌گرایان وارد عمل شد و تظاهرکنندگان میدان تحریر را «فتنه غوغائیه»<sup>۲</sup> خواند. وی در سلسله برنامه‌های «آمنت بالله» که با انقلاب مصر آغاز شد و با کودتا در این کشور پایان یافت

حکومت مرسى را «دیکتاتوری تحت لوای اطاعت از ولی امر» دانست و برقرار شدن این دیکتاتوری را محصول دموکراسی دانست. (آمنت بالله ۲۰۱۲) جفری در همین دوره پیش‌بینی کرد که پروژه اسلام‌گرایان به شکست خواهد انجامید و ما حصل آن بحرانی جدی‌تر از سیاست و حتی خلافت خواهد بود که همانا موضوع الحاد و شک است. (عماشه ۲۰۱۸: ص ۳۸)

با سقوط دولت مرسى در ۲۰۱۳ مهم‌ترین برگ فعالیت‌های شبکه برای مقابله با اسلام‌گرایی ورق خورد. اتفاقی که می‌توان آن را بزرگترین دستاورد این پروژه برای امارات متحده عربی نام نهاد. اگر در واکنش‌های شبکه تصوف اماراتی نسبت به خیزش انقلاب‌های عربی و علی‌الخصوص، انقلاب مصر، کمی تردید و عدم هماهنگی مشاهده می‌شد، این شبکه در واکنش به شبه‌کودتایی که علیه انقلاب انجام گرفت به مراتب منسجم‌تر عمل نمود. (Al-Azami 2019: 230) احمد الطیب و علی جمعه<sup>۳</sup> هر دو صراحتاً از تظاهرات علیه مرسى حمایت علنی نمودند. طیب حتی پای را فراتر گذاشته با ایستادن در کنار ژنرال سیسی مهم‌ترین امضای مشروعیت بخشی دینی برای ساقط کردن دولت و قانون اساسی حاصل از انقلاب را پای بیانیه کودتا زد. علی جمعه در همین خلال مجدداً در تلاش بود تا ارتش را قانع به قلع و قمع معترضین علیه کودتا کند و در سخنرانی برای نیروهای ارتش از جواز کشتار تظاهرکنندگان سخن بگوید.

پس از کشتار وسیع تظاهرات‌کنندگان در میدان رابعه، احمد الطیب صرفاً به بیان اینکه اطلاعی از قصد ارتش نداشته است اکتفا نمود و از نیروهای امنیتی خواست از آسیب رساندن به معترضین مسالمت‌جو اجتناب نمایند. اما علی جمعه صراحتاً در برنامه تلویزیونی، اقدام ارتش را شجاعانه دانست و اخوان را به سبب پیگیری الگوی غربی دموکراسی تقبیح نمود. (Al-Azami 2019: 231)

۳. در مورد این دو نفر و دیگر شخصیت‌های کلیدی این پروژه به پیوست شخصیت‌شناسی در انتهای همین مقاله مراجعه گردد.

۲. گروه آشوب طلب.

یکی دیگر از مراکز ثقل سرمایه‌گذاری شبکه‌های اماراتی در این دوره، شبکه گولن در ترکیه است. نخستین درگیری شبکه گولن واردوغان همزمان با آغاز دوره تقابل ۲۰۱۰ کلید خورد و در ۲۰۱۲ و در خلال «بحران میت» علنی گردید. (karaveli 2012) رویکرد ضداسلام‌گرایی و ضدسلفی گولن نه تنها در این دوره که حتی در دوره اربکان نیز روشن بود. (تجربیشی، عظیمی و دیگران ۱۳۹۴: ص ۴۳ و ۴۶)

گولن البته گرایشات پان ترک جدی داشت و مواضع عرب‌ستیزانه زیادی از او وجود دارد، لذا در خلال سال‌های اختلاف با اردوغان کمتر توقع می‌رفت دست به سوی یک متحد عربی دراز کند. اما مشاهده می‌کنیم خود گولنیست‌ها در روزنامه منتسب به خود «زمان» از امکان شکل‌گیری ائتلافی با ابوظبلی بر اساس گفت‌وگو «اسلام مدرن» سخن گفته‌اند. در مقاله مورد اشاره نویسنده با حمله به وهابیت سعودی، امارات را الگویی برای مواجهه با ریاض و افراط‌گرایی سلفی دانسته است. (ایماسک ۲۰۱۶) این نشانه‌ها وقتی کودتای ۲۰۱۶ ترکیه اتفاق افتاد، قابل تفسیرتر شد؛ زمانی که اطلاعات دولت ترکیه، ایمیل‌های یوسف العتیبه را افشا کرد که در آن امارات برای موفقیت کودتای طرفداران گولن ۳ میلیارد دلار کمک مالی انجام داده است. (Jilani & Grim 2017)

## دوره تثبیت (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰)

تقابل تصوف سیاسی با سلفیت سیاسی و اسلام‌گرایان تنها زمانی فروکش کرد که سلفیت، اصلی‌ترین حامی خود یعنی عربستان سعودی را از دست داد. به قدرت رسیدن سلمان بن عبدالعزیز در ۲۰۱۵، هرچند برای سران ابوظبلی از ابتدا بشارت بزرگی محسوب می‌شد، اما در عمل تا زمان کنار زدن موفق رقبای محمد بن سلمان از قدرت در ۲۰۱۶ استقرار نیافت و پس از این بود که امارات و شبکه تصوف وابسته به آن توانستند به پیروزی خود مطمئن شوند. به قدرت رسیدن ترامپ نیز این روند را تسریع کرد و تمایلات بدوی سلمان برای بازسازی روابط خود با اخوان و شیوخ وهابی، در سال اول پادشاهی خود را مهار کرد. همچنین حذف بن نایف به

در کشور لیبی در همسایگی مصر، عارف النایض، عضو دیگر این شبکه، با شدت تمام در تلاش برای سلب مشروعیت از بخش اخوانی دولت تجزیه شده لیبی بود و به صراحت نیروهای دولت وفاق را تروریست می‌خواند. (Krieg ۲۰۲۰) جایگاه وی در بلوک ضد اخوانی حاکم بر شرق لیبی به حدیست که وی را بعد از خلیفه حفرتر می‌توان نفر دوم این بلوک دانست. (المحروقی ۲۰۲۰)

در قیاس با سران مصری شبکه تصوف وابسته به امارات، بن بیه و حمزه یوسف ترجیح دادند در موضوع انقلاب مصر کمتر ورود کنند. در عوض این دو طی ایام پس از کودتا بر سازمان دهی شبکه برای نقش‌آفرینی فرماندهی تمرکز کردند. تاسیس «مجلس حکماء مسلمین» نخستین ثمره این تلاش‌ها بود که به مجرد استعفای بن بیه از معاونت یوسف القرضاوی در «الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین» و برای به چالش کشیدن مرجعیت علمائی آن، با همراهی احمد الطیب در ۲۰۱۴ تاسیس گردید. «منتدی تعزیز السلم فی المجتمعات المسلمه» نیز دومین محصول بن بیه بود که در ۲۰۱۵ به ریاست خودش و معاونت حمزه یوسف تاسیس گردید تا چارچوبی برای تمرکز فعالیت‌های این شبکه در غرب باشد.

نقطه‌ی اوج این تلاش‌ها در سال ۲۰۱۶ با برگزاری اجلاس جنجال برانگیز گروزیی چین روی داد. برگزاری اجلاس در یکی از جمهوری‌های تابعه روسیه و در ایامی که ارتش این کشور با ورود خود به سوریه، عرصه را بر مسلحین سوری تنگ کرده بود، دلالت‌های ویژه خود را داشت. اتحاد صوفیه با رژیم‌های اقتدارگرای منطقه به قدری اعتماد به نفس یافته بود که صراحتاً علاوه بر اسلام‌گرایان مستقر در استانبول، سلفی‌های ریاض را هم به چالش بطلبد و در اجلاس گروزیی صراحتاً علیه آن سخن بگوید. اجلاس گروزیی در بیانیه خود با منحصر ساختن اهل سنت و جماعت در عقیده اشعری و ماتریدی، مذاهب اربعه و طریقت تصوف دهن‌کجی بزرگی به دو قطب قدرتمند دیگر مذهبی در جهان سنی در استانبول و ریاض می‌نمود. (نصار ۲۰۱۶)

عنوان گزینه‌ای سازشکار با اسلام سیاسی، از ولایت عهدی در همین راستا باید تفسیر شود. البته در بررسی این شکست نباید از نقش خشونت‌عریانی که داعش به نام سلفیت عرضه می‌کرد غافل شد.

پس از این دوره و با باز میدان به در شدن رقبا، سکوت و رخوت بر تحرکات شبکه تصوف اماراتی سایه افکند. در سال ۲۰۱۷ وعده بانیان اجلاس گروزی برای برگزاری اجلاس بعدی محقق نگردید. یکی دیگر از برنامه‌های مهمی که با رسیدن به این دوره متوقف شد راه‌اندازی اولین شعبه برون مرزی الازهر در امارات بود. (الصاوی ۲۰۱۶) این مورد به نظر می‌رسد از آن تصمیماتی بود که در شرایط هیجانی دوره تقابل اخذ شده بود و با انتهای آن، مورد بازنگری قرار گرفت تا الازهر با دست خود برای خود رقیب تولید نکند. لغو این تصمیم همراه با فروکش کردن موج موسسه‌سازی‌های سران شبکه نوصوفی بود.

به نظر می‌رسد، در دوره اخیر جریان تصوف اماراتی، متقاعد (یا وادار) شده است منطبق بر سلوک سنتی خود، به گستردن بدنه اجتماعی با فعالیت‌های اجتماعی و فارغ از حواشی سیاسی، ادامه دهد. با تجارب، فضا، شبکه‌ها و سازمان‌های گسترده برآمده از دوران تقابل، این جریان امکانات کافی برای تثبیت جایگاه خود در دراز مدت را به دست آورده است.

البته فعالیت تصوف سیاسی در این دوره به تثبیت و رشد بی‌حاشیه در بستر اجتماعی محدود نیست. دوره تثبیت دوره روآوردن رهبران تصوف اماراتی به اصلاح درونی در بدنه صوفیه است. این جریان پس از عبور موفق از دوران تقابل با رقبای خارجی، این مشروعیت را در خود احساس کرده است که به تغییراتی اساسی در ساختار داخلی صوفیه دست بزند تا کارایی این جریان افزایش یابد و دیگر بار گرفتار تجارب تلخ گذشته نگردد. از این نقطه است که رقابتی داخلی میان آنچه «صوفیه علمیه» نامیده می‌شود، با تصوف طریقتی کلاسیک در سطح عمومی به ظهور رسید. در چارچوب این رقابت، تصوف علمی تلاش کرده است جنبه‌های عامیانه، خرافی، رهبری وراثتی و فقر ساختاری تصوف سنتی را با

تغییرات در آرایش سران صوفیه، سازمان‌دهی جدیدی کند و بدنه نخبگانی این جریان را گسترش دهد.

به‌طور طبیعی مهمترین نماینده سازمانی تصوف طریقتی را باید «المجلس الاعلی للطرق الصوفیه» در مصر دانست و نموده‌های این رویارویی داخلی در تصوف را در آن جستجو کرد. این تشکیلات ارگان رسمی جماعات صوفی در مصر است که از ۱۶ عضو تشکیل می‌شود: ۱۰ عضو از مشایخ صوفیه که توسط مجمع عمومی قریب به هشتاد طریقت رسمی صوفی انتخاب می‌شوند و شش عضو دیگر به ترتیب: یک نماینده از الازهر و ۴ نماینده از وزارت خانه‌ها و رییس آن که منتخب رئیس جمهور مصر است. (قانون طرق صوفی ۱۹۷۶) رئیس کنونی مجلس، عبدالهادی القصبی از زمان سادات جزء رجال محبوب ارتش بوده است و در دوره اخیر نیز به ریاست ائتلاف «دعم مصر» در پارلمان برگزیده شد که فراکسیون اکثریت مدافع سبسی است.

تحریکی که در سال‌های اخیر توجهات را به خود جلب کرده ورود کم سابقه شیوخ الازهر در ساختارهای طریقتی است. چشمگیرترین مورد به ثبت یک طریقت جدید شاذلی توسط علی جمعه بازمی‌گردد. جز او، شیخ طاهر الحامدی رئیس سابق دانشکده دعوت الازهر نیز اقدام به تاسیس طریقت عامریه خلوتیه نموده است. پیش از این دونیز شیوخ رده‌اولی چون احمد هاشم، محمد ابوهاشم، محمد مهنا، عبدالفتاح العواری در میان اصحاب طریقت جایگاه ویژه‌ای به دست آورده بودند. (رشدی ۲۰۱۸) به‌طور خاص تحرکات علی جمعه رانمی‌توان اقدامی طبیعی قلمداد نمود. فرایند سریع تاسیس واخذ مجوز و تشکیل محافل و جذب مریدان در این طریقت از نکاتی است که توجهات را به خود جلب نموده است. (سالم ۲۰۱۸) مقر اصلی علی جمعه مسجد فاضل، علاوه بر خود او، کانون حضور دیگر شیخ فرامنطقه‌ای تصوف یعنی عمر بن حفیظ است. جذب قریب به نیم میلیون عضو از جامعه حدوداً ۱۵ میلیون صوفی در مصر نیز اشاره دیگری بر ماهیت سیاسی این حرکت تلقی می‌شود. (نجار ۲۰۱۸) در واقع از بدو ورود علی جمعه در صف طرق صوفی، زمزمه‌هایی در مورد زمینه‌سازی برای قرار گرفتن وی در رأس این جریان شکل گرفته و گفته

داده است و در این پوشش با جریان های تندرو و خشن مخالفت می کند و سعی می کند افکار عمومی جهان اسلام را بر علیه آنها بسیج کند و در دل بدنه اجتماعی طرفدار این جریانات القای شک و شبهه کند.

با وارونه شدن اوضاع در مصر و کودتا علیه انقلاب مردمی در این کشور و همچنین برگشت روند فتوحات تکفیری ها به سمت زوال و شکست، جریان صوفیه نیز تضعیف شد. زیرا وقتی دشمن از بین برود، برنامه هایی که علیه دشمن حمایت می شدند نیز بلا موضوع خواهند شد. افول جریان های صوفی پس از شکست جریان خشونت طلب در دنیای اسلام را باید حاصل چند نکته دید:

نخست آنکه اساس رونق گرفتن تصوف، حداقل در خلیج فارس، پروژه ای با حمایت دلارهای نفتی بوده است، و نه یک خیزش آگاهانه و خودجوش مردمی، از این رو وقتی که تهدید اصلی متوجه بازی گردانان از میان برود، بازیگران میدانی نیز، جایگاه خود را از دست خواهند داد. وقتی جبهه ای هویت اجتماعی خود را در ضدیت با جبهه دیگر تعریف کند، خواه و ناخواه با از میان رفتن جبهه مقابل، هویت اجتماعی خودش هم از میان می رود و دچار رکود می شود.

نکته دوم در هویت سلبی این جریان نهفته است. گفتمان صلح طلبی، رواداری و همزیستی صوفیان در مقابل خشونت طلبی جریان های افراطی کارا بود؛ چراکه گفتمان روادارانه و صلح طلبانه در تطابق نسبتاً کاملی با هویت اصیل صوفیانه بود. صوفیان در طول تاریخ طرفدار صلح و همزیستی و رواداری بوده اند و این مفاهیم تطابق بالایی با اندیشه های آنان داشت. از دیگر سو حمایت افکار عمومی توده ها در میان مدت و بلندمدت، نیز نمی توانست از شرایط خشونت بار موجود ادامه پیدا کند. از این رو گفتمان روادارانه و صلح طلبانه صوفیان در میان مدت بر خشونت عریان تکفیری ها غلبه کرد و بدنه مردم عادی را حتی در مناطق تحت سیطره تکفیری ها با خود همراه کرد و مشروعیت اجتماعی کاربرد سلاح خشونت را از میان برد.

می شود وی برای جانشینی القصبی در مجلس اعلی در نظر گرفته شده است. این موضوع حتی توسط علاء ابوالعزائم رقیب همیشگی القصبی نیز تایید شده است و از آن استقبال نموده است. (المراجع ۲۰۱۸)

البته رضایت ابوالعزائم به عنوان یک شیخ صوفی متمایل به الازه و نزدیک با ایران را نمی توان معیاری از دیدگاه کلیت جریان طریقتی به تحركات صوفیه علمیه دانست. وجود نوعی تسلیم اجباری در جامعه صوفی نسبت به نقش آفرینی علی جمعه و توسعه تصوف اماراتی در مصر مشهود است.

میزان مشارکت پایین طریقت ها در دوره های علمی که تصوف علمیه با حمایت الازه و اشراف مجلس اعلی طراحی کرده بود، شاهدی بر همراهی سرد بدنه صوفیه طریقتی با روندی است که صوفیه علمائی قصد راه اندازی آن را دارد.

## تحلیل روند

شاید بتوان روابط معناداری میان اوج و حضیض های تحولات پروسه ای و طبیعی اسلام گرایی جهادی افراطی که در دهه اخیر با مفهوم خشونت گره خورده است و تحولات پروژه ای صوفیه که خود را طرفدار مدارا می داند، پیدا کرد.

پیشتر گفتیم که آمریکایی ها با هدف زمین گیر کردن شوروی در افغانستان حمایت های خود را از اسلام گرایان جهادی آغاز کردند؛ توضیح دادیم که نقطه عطف این روند - که از کنترل غربی ها خارج شد - به واقعه یازده سپتامبر رسید و از آن به بعد است که پروژه احیای تصوف و تبلیغ اسلام صوفیانه برای مقابله با آنچه غربی ها آن را اسلام افراطی می نامند، شکل گرفت. این پروژه بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ روند شکل گیری نظری و میدانی خود را طی کرد و با شروع انقلاب های عربی و جان گرفتن دوباره نیروهای تکفیری در منطقه عراق و شام وارد مرحله عملیاتی شد. اوج فعالیت های بلوک صوفی را می توان در ناکارآمد جلوه دادن و القای شک در انقلاب مصر مشاهده کرد. جبهه ای که شعار خود را همزیستی و صلح طلبی قرار



در انسجام با قرائت صوفیانه از دین اسلام است و امارات می‌تواند اسلام صوفیانه را به عنوان رکن نهادی دین در کشور خود صورت‌بندی کند.

مهم‌ترین هدف امارات متحده عربی از ورود به این پروژه را می‌توان مقابله با اسلام‌گرایی سیاسی و نزدیک شدن به ایالات متحده برشمرد. به شکست کشاندن انقلاب‌های عربی، علی‌الخصوص انقلاب مصر، که ربط وثیقی به اسلام‌گرایان داشتند، نشانه‌ای از موفقیت این پروژه با مشارکت امارات است. کما اینکه برگزاری کنفرانس گروزی را می‌توان برجسته‌ترین و متمرکزترین رویداد این شبکه دانست.

ارتقاء جایگاه امارات متحده عربی نزد ایالات متحده آمریکا، هدفی دیگر بود که برای امارات حاصل شده است، چه اینکه روابط این کشور با ایالات متحده در سال‌های اخیر، همواره رو به گسترش بوده است و به طور ویژه در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا، امارات متحده اصلی‌ترین شریک آمریکادر حوزه خلیج فارس بوده است.

اما با فروکش کردن موج انقلاب‌های عربی و شکست خوردن اسلام‌گرایان سیاسی در خاورمیانه، این پروژه دچار رکود شده است. البته نباید رکود فعلی این پروژه را به حساب اتمام آن گذاشت، بلکه شبکه‌ها و امکانات این پروژه زنده است و به ترمیم نقص‌ها و خلأهای داخلی خود می‌پردازد، تا برای فعال شدن دوباره در موقعیت‌های حساس آینده آماده باشد. زیرا که تاریخ جهان، به دفعات شاهد احیای جریانانی بوده است که در زمانی غیر قابل بازگشت به نظر می‌رسیده‌اند.

## پیوست: شخصیت‌شناسی

### احمد الطیب

احمد محمد احمد الطیب (۶ ژانویه ۱۹۴۶، قُرنه، اُفْضُر) فقیه مالکی، شیخ طریقت صوفی، فیلسوف اسلامی، استاد دانشگاه، مؤلف و مترجم مصری است. او چهل و هشتمین امام اکبر یا شیخ الازهر است که از ۱۰ مارس

با محو شدن این پادگفتمان خشن، تصوف سیاسی در برابر لایه‌های دموکراسی خواه و خشونت‌گریز اسلام‌گرایان تا حدودی خلع سلاح می‌شد. گفتمانی که صوفیان برای مقابله با این جبهه باید به کار می‌گرفتند گفتمان جدایی دین از سیاست، لزوم بی‌اعتنایی به دنیا به طور عام و پرهیز از سیاست به طور خاص بوده است. اما این گفتمان سیاست‌پرهیز در عمل کارایی گفتمان خشونت‌پرهیز را نداشت و در میدان نبرد جدیدی که سیاست‌بازان برای صوفیه چیدند، مانند عرصه پیشین از آنان کارایی مشاهده نمی‌شد.

زیرا استفاده از گفتان جدایی دین از سیاست، توسط یک جریان دینی به طور آشکاری روابط سیاسی مستحکم دارد و به نفع جریانات سیاسی خاص، بازیگری می‌کند، یک گفتمان خودمتناقض خواهد بود. تناقض درونی این گفتمان، صداقت جریان صوفی در تبلیغ گفتمان جدایی دین از سیاست را به چالش می‌کشد و افکار عمومی را در این موضوع حساس می‌کند. همین امر از اثرگذاری این گفتمان می‌کاهد و به نتیجه رسیدن آن را دچار چالش می‌کند. همان قدر که گفتمان صلح‌طلبی و مدارا از یک جریان صوفی، صادقانه و کارا به نظر می‌رسد، گفتمان جدایی دین از سیاست، مزورانه و فشل‌جلوه می‌کند؛ زیرا افکار عمومی نسبت به پشت‌پرده‌های سیاسی فعالیت جریانات صوفی هشیار است.

## نتیجه‌گیری

امارات متحده عربی با به کارگیری مفاهیم برآمده از نظریه قدرت مولد و با به کارگیری شخصیت‌های برجسته، شبکه‌های دینی و اجتماعی، ارگان‌ها و نهادهای سابقه‌دار، کنترل جریان تصوف را با حمایت‌های مالی و سیاسی به دست آورد و توانست از این شبکه، در بزنگاه‌های مهم و حساسی بهره‌برداری کند. عاملی که پایه‌گذار قدرت منطقه‌ای امارات متحده عربی در سال‌های بعد شد و توانست مکمل مداخلات سخت‌این کشور در منطقه باشد. چه اینکه ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری حاکم بر امارات متحده



قرار گرفته است؛ از جمله توسط هیأت امنای جایزه شیخ زاید، شخصیت فرهنگی سال ۲۰۱۳ شناخته شد و توسط کمیته برگزاری جایزه دبی قرآن کریم به عنوان شخصیت اسلامی سال برگزیده شد. طیب کمک‌های مالی زیادی برای گسترش فعالیت‌های الازهر از امارات جذب کرده است.

وی در زمان انقلاب مصر مواضع محتاطانه‌ای اختیار کرد و در عین تأکید بر حقوق قانونی مردم برای عدالت، آزادی و زندگی مناسب و معقول، از اینکه روند تحولات به سمت خونریزی و بی‌نظمی در کشور برود، ابراز نگرانی کرد. او خواسته‌های انقلابیون را منصفانه می‌دانست ولی نسبت به ایجاد هرج و مرج هشدار داد و از مردم خواست که آرامش خود را حفظ کنند. او در بحبوحه‌ی انقلاب، تظاهرات به آن شیوه‌ای که در میدان التحریر جریان داشت را حرام شرعی دانست و گفت که این راه و روش به هرج و مرج و بی‌نظمی در کشور می‌انجامد. در عین حال به کار بردن خشونت علیه انقلابیون را محکوم کرد و خواستار گفتگو با جوانان معترض شد.

احمد الطیب همچنین ریاست کنفرانس ضد تکفیری گروزی با عنوان «اهل سنت و جماعت چه کسانی هستند؟» را به عهده داشت. برگزارکنندگان کنفرانس مهمترین هدف این کنفرانس را ارائه تعریفی جامع از «مذاهب اهل سنت و جماعت» و «شناسایی و معرفی هویت اهل سنت و جماعت» اعلام کردند، اما به صورت غیرمستقیم هدفی دیگر، یعنی «برائت از گروه‌های سلفی تکفیری» را دنبال می‌کردند. در این کنفرانس تأکید شد: گروه‌های تروریست تکفیری همچون داعش که تحت نام وهابیت به فعالیت‌های جنایت‌آمیز خود می‌پردازند و مورد حمایت بی‌وقفه عربستان سعودی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن هستند، هیچ ارتباطی با اهل سنت و اسلام سنی ندارند. کنفرانسی که عکس العمل منفی «الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین» و «هیئت کبار العلماء» سعودی را در پی داشت.

او نسبت به رژیم صهیونیستی موضعی نسبتاً سخت دارد و بر خلاف طنطاوی، امام پیشین الازهر، از دیدار با

۲۰۱۰ پس از مرگ محمد الطنطاوی به این جایگاه رسید. همه‌خاندان او از شیوخ طریقه خلوتیه حسانیه هستند که توسط شیخ الطیب الحسانی، جد آنها پایه‌گذاری شده است. یکی از شروط شیخوخ در این طریقت آن است که فرد باید از علمای الازهر نیز باشد. البته محمد الطیب که ریاست این طریقت را بر عهده دارد، دخالت برادرش احمد الطیب که امام اکبر الازهر است را در این طریقت نفی کرده است. احمد الطیب پیش از این ریاست دانشگاه الازهر (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۳ - ۱۹ مارس ۲۰۱۰) و ریاست بر دار الافتاء مصر (۱۰ مارس ۲۰۰۲ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۳) را نیز تجربه کرده است.

همانگونه که الازهر به طور کلی پیوندی تاریخی با صوفیه دارد و بسیاری از علمای آن رسماً بیعت و حتی شیاخت طریقه‌های مختلف تصوف را به عهده داشته‌اند، احمد الطیب نیز روابط وثیقی با زعمای صوفیه دارد. احمد الطیب از زمان عبدالحلیم محمود (شیخ الازهر از ۷۳ تا ۷۸) جزو نزدیکترین افراد به صوفیه است که به امامت اکبر الازهر رسیده است. البته الطیب بعد از شیخ شدن در طریقت صوفی، قویاً خواستار اصلاح صوفیه و زدودن رفتارهای بدعی برخی طرق آن شد، که دلخوری‌هایی را نیز از طرف شیوخ صوفیه به همراه داشته است.

روابط او با امارات بسیار وثیق و ادامه‌دار است. او وقتی هنوز عنوان ریاست دانشگاه الازهر و شیخ طریقت خلوتیه حسانیه را داشت، نخستین شاهد اتصال خود با تصوف اماراتی را در امضائی نشان داد که به همراه ۱۴۰ شخصیت دیگر، پای بیانیه «کلمه سواء» در ۲۰۰۷ زد. او بعدها در سال ۲۰۱۴ ریاست «مجلس حکماء المسلمین» را از بدو تأسیس در ابوظبلی به عهده گرفت. مجمعی که یکی از سه ضلع داعیه‌دار مدیریت اسلام سنی در جهان اسلام، در کنار «الرابطة العالم الإسلامیة» سعودی و «الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین» قطری است و مأموریت خود را دستیابی به صلح و همزیستی در جهان اسلام و مبارزه با فرقه‌گرایی و ارتقاء روح تحمل، گفتگو و اعتدال عنوان کرده است. او بارها توسط مجموعه‌های اماراتی مورد تکریم و تقدیر

دولت امارات وارد دور جدیدی از سیاست ورزی صلح طلبانه خود شده است و با استعفاء از نایب ریسی «الاتحاد العالمي لعلماء المسلمين» رابطه خود با یوسف القرضاوی برجسته ترین چهره های منتسب به جریان وسطیه، از علمای سنتی اهل سنت و تقریباً شخصیتی مرضی الاطراف در جهان اهل تسنن و کاملاً شناخته شده در جهان غرب و حتی در میان سیاستمداران غربی است.

بن بیه با این چهارچوب تحلیلی کلان که اسلام دین تیسیر و آسانگیری است و با تکیه کلام «الامر سهل» یا «واسع»، بسیاری از مسائل روز جامعه مسلمین در بلاد اسلامی و کشورهای غربی را پاسخ می دهد. اینگونه فتوا دادن به تعبیر او، نوعی تألیف قلوب برای تازه واردان در شریعت است. او از این دست فتاوی زیاد دارد: جواز تولی مناصب حکومتی، حتی ریاست دولت، برای زنان و مسیحیان در کشورهای اسلامی به حسب مصلحت؛ تن دادن به کثرتگرایی سیاسی به عنوان امری اجتناب ناپذیر که باید با آن تعامل کرد؛ قبول دعوت غیرمسلمان حتی به سفره های که شراب بر آن نهاده می شود، به حسب حاجت و نه ضرورت و در نهایت اصلاح تعطیلات هفتگی از جمعه به روزهای دیگر در کشورهای اسلامی اگر به نیت مشابَهت با اهل کتاب نباشد، از این دست فتاوا می اوست.

رابطه ی او با امارات نیز بسیار محکم و همه جانبه است. علاوه بر ریاست «مجلس الإمارات للإفتاء الشرعی» او از سال ۲۰۱۵ و همزمان با تأسیس «منتدی تعزیز السلم فی المجتمعات المسلمه» یا مجمع ترویج صلح در جوامع مسلمان، رییس این مجمع است؛ بنیادی که در ابوظبی بنا گذاشته شده است و توسط شیخ عبدالله بن زاید، وزیر امور خارجه امارات، حمایت می شود. این مجمع هدف خود را همانگونه که از اسمش پیداست، گسترش فعالیت های صلح طلبانه در جهان اسلام و ترویج گفتن و فرهنگ تسامح و صلح طلبی در جهان می داند و قصد دارد برای اولین بار «دایره المعارف صلح» را در جهان اسلام تهیه و تدوین کند. اعطای «جایزه جهانی

مقامات صهیونیست و حتی حضور در مکانی مشترک با آنها خودداری می کند، زیرا معتقد است این حرکت او به معنای تأیید عادی سازی روابط با این رژیم است، و وی تا وقتی که این رژیم حقوق مشروع فلسطینی ها را به آنها برنگرداند، حاضر به تأیید چنین امری نیست.

## عبدالله بن بیه

عبدالله بن الشیخ المحفوظ بن بیه (۱۹۳۵)، تمبغه، موریتانی)، فقیه و مبلغ اسلامی مالکی مذهب، از برجسته ترین علمای معاصر اهل سنت، رئیس «مجلس الإمارات للإفتاء الشرعی»، رئیس «منتدی تعزیز السلم فی المجتمعات المسلمه» و بنیاد «الموطأ» در ابوظبی است. بسیاری بن بیه را یکی از نمادهای اعتدال اسلامی می دانند و فتاوا و نظرات وی در غرب به عنوان یکی از مهمترین منابع اقلیت های اسلامی ساکن در این کشورها مطرح است.

او فعالیت های زیادی در بخش قضایی و دولتی موریتانی داشته است که شاید مهم ترین آنها بنیانگذاری وزارت امور اسلامی و خدمت به عنوان اولین وزیر این وزارت باشد. البته او وزارت های متعدد دیگری را نیز در این کشور آفریقایی تجربه کرده است.

بن بیه قبل از اینکه در امارات ساکن شود و به عنوان رییس دار الإفتاء این کشور منصوب شود، محیط های مختلف و رقیبی را تجربه کرده است. او قبلاً نایب رییس «الاتحاد العالمي لعلماء المسلمين» بوده است و عضو شورای عالی جهانی مساجد در «الرابطه العالم الإسلامي» است. در کارنامه او غیر از مناصبی که در موریتانی داشته است، حداقل ۱۹ عنوان ریاست و نایب ریسی و عضویت در مجتمعات و هیئات مختلف اسلامی و جهانی وجود دارد.

«یا ایها الذین آمنوا، ادخلوا فی السلم کافه» (بقره، ۲۰۸). شعار بن بیه است. او بالاترین اولویت در جامعه اسلامی را رواج صلح و همزیستی می داند. او در در پیوند با الازهر و

استیلاهی صهیونیست‌ها بر این مکان مقدس و حرمت تخریب کلیساها اشاره کرد. وی از حامیان سرسخت آرمان فلسطین است و از بیت المقدس بازدید کرده است.

دو نکته در شخصیت او مورد بررسی ما است: اول نقشی که در مقابله با انقلاب مصر ایفا کرد و دوم اثری که در روند اصلاح و بازسازی جریان صوفی در مصر گذاشت. او در هر دوی این جهات کاملاً در چاقوب جریان تصوف اماراتی ایفای نقش کرد و متقابلاً از طرف امارات حمایت‌های زیادی از او انجام شد.

او کاملاً آشکار با انقلاب مصر مخالفت کرد و به گمان برخی، از اعمال خشونت علیه انقلابیون حمایت کرد و پس از کودتا علیه مرسی، از سبسی حمایت کرد. او مشروعیت مرسی را از دست رفته می‌دید به خاطر آنکه او را «اماماً محجوراً علیه» می‌دانست. جمعه که در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی حضور منظم و پر حجمی دارد، در برنامه‌ای تلویزیونی اظهار داشت: «محمد مرسی رئیس جمهور معزول، صلاحیت حکومت مصر را نداشت و به همین خاطر مردم مصر علیه او قیام کردند.» او گفت مشروعیت مرسی تنها ناشی از صندوق رای بود ولی وقتی اهل حل و عقد یعنی فرمانده ارتش و رییس دستگاه قضاء و امام‌الزهر و پاپ قبطی‌های مصر دست از حمایت او برداشتند، مشروعیت خود را از دست داد. او اعضای اخوان المسلمین را کسانی دانست که برای رسیدن به قدرت هر دروغی را منتشر می‌کنند.

در جهت دوم در سال ۲۰۱۸ طریقت صوفیانه جدیدی به نام طریقت صدیقیه شاذلیه را در اوقاف مصر ثبت کرد و خود، شیخ این طریقت صوفی شد. او در چارچوب برنامه اصلاح و بازسازی تصوف در مصر گام برداشت و به همراه احمد الطیب به انجام اصلاحات داخلی در تصوف مصری همت گماشت. علی جمعه همچنین عضو شورای عالی مشورتی مؤسسه طابه مستقر در ابوظبی است.

صلح امام حسن علیه السلام یکی از فعالیت‌های این مجمع است. بنیاد «الموطأ» نیز جنبه‌های علمی، پژوهشی و آموزشی فعالیت بن‌بیه در امارات متحده عربی را پوشش می‌دهد. او همچنین عضو شورای عالی مشورتی مؤسسه طابه نیز هست.

آخرین تحول مهم مربوط به او در امارات، فتوا به مشروعیت عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است که بلافاصله پس از اعلام عادی سازی روابط میان امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی اعلام شد. بن‌بیه در این موضوع تنها به جایز دانستن این عمل سیاسی بسنده نکرد و این اقدام را تلاشی مثبت و گامی موفقیت‌آمیز از سوی رهبران امارات دانست که موجب متوقف شدن گسترش حاکمیت اسرائیل بر مناطق فلسطینی است. او اقدام بن‌زاید را از روی خرد و تلاشی برای ایجاد صلح عادلانه در منطقه خاورمیانه دانست و گفت که بسیاری از اصول و احکام شریعت با توجه به شرایط و مصالح عمومی در خدمت تنظیم چنین اموری است.

## علی جمعه

علی جمعه محمد عبد الوهاب (۳ مارس ۱۹۵۱، بنی سوئیف، مصر) فقیه مسلمان، عضو «هیئه کبار العلماء» مصر است. او از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ رییس «دار الإفتاء» مصر بوده است. او به فتاوی مذهبی متعدد و نظرات تازه مشهور است. او به مدت یازده سال متوالی (۲۰۰۹-۲۰۱۹) به عنوان یکی از پنجاه چهره بانفوذ مسلمان در جهان در مجله «۵۰۰ مسلمان موثر» انتخاب شد. زمانی که مفتی اعظم مصر بود با صدور فتوایی مخالفت خود با موروثی شدن قدرت در دوره حسنی مبارک را اعلام کرد. در این فتوا آمده بود که حاکمیت مصر باید از طریق انتخابات تعیین شود. از دیگر فتاوی مهم او می‌توان به جواز تظاهرات مسالمت‌آمیز و قانونی، حرمت تخریب حرم‌های مقدس، مشروعیت نماز در مساجدی که در آنها بقعه و ضریح وجود دارد، بطلان آیین بهایی، استحباب زیارت قدس شریف حتی در زمان

## علی الجفیری

سال ۲۰۰۷ است که در راستای ایجاد زمینه گفتگو بین ادیانی با مسیحیت منتشر شده است.

جفیری عموماً سعی می‌کند از فعالیت‌های سیاسی دوری کند اما با توجه به نفوذ و مقبولیتی که در جامعه مصر دارد، در به چالش کشیدن انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر ایفای نقش کرده است. او به طور کلی جماعت اخوان المسلمین را گروهی تروریستی می‌داند و عقیده دارد که اندیشه‌های سید قطب، تکفیری است و باید جوانان را از افتادن به دام این عقاید فریبنده نجات داد. او پس از کودتای نظامیان در مصر، در توییتی برای سیسی دعا کرد و از خداوند خواست که او را در راه پذیرش مسئولیت اداره کشور مصر یاری کند.

او با توجه به اصالت یمنی‌اش فعالیت‌هایی خیریه و فرهنگی در یمن دنبال می‌کند. جفیری در مورد جنگ یمن می‌گوید که این جنگ، درگیری میان شیعه و سنی نیست، ربطی هم به آمریکا ندارد و حتی برای آزادسازی یمن از سیطره همسایه‌ها نیز نیست، بلکه این جنگ، جنگ ایران است. او در خطابی با یمنی‌ها، انقلابیون حوثی را «إخواننا الذین بغوا علينا» نامید و از آنها درخواست کرد که برای نجات یمن از ادامه همکاری با ایران دست بکشند زیرا ادامه این همکاری عواقب دشواری برای یمن خواهد داشت. او در همین نامه از سید عبدالملک الحوثی خواست که با اتخاذی تصمیمی سخت که ممکن است برای او در بین اطرافیان ننگ و عار به همراه داشته باشد مانند امام حسن مجتبی علیه السلام کوتاه بیاید و از کشته شدن مردم جلوگیری کرده و به آنچه از دیدگاه او مصلحت کشور است عمل کند.

## عمر بن حفیظ

عمر بن محمد بن سالم بن حفیظ (۱۹۶۳، تربیت، یمن) عالم صوفی شافعی مذهب و از زعمای صوفیان باعلوی یمن است. همانگونه که اشاره شد او از اساتید مهم جفیری است و در شورای عالی مشورتی مؤسسه طابه عضو است. هر چند به سبب بی‌حاشیه بودنش کمتر شناخته شده، اما جایگاه استادی‌اش برای جفیری نقشی مرکزی در این

حبیب علی بن عبدالرحمن زین العابدین الجفیری (۱۹۷۱، جدّه، عربستان سعودی با اصالت یمنی) مبلغ صوفی شافعی مذهب و از باعلوی‌های یمن است. او رئیس «مؤسسه طابه للدراسات الإسلامیه» در ابوظبی است. وی از شناخته شده ترین شخصیت‌های جریان اعتدال است و به خاطر برنامه‌های تلویزیونی پر تعدادی که داشته است بسیار مورد توجه قرار گرفته است. او بخشی از فعالیت‌های خود را متمرکز بر غیر مسلمانان برای ارائه چهره‌ای معتدل و صلح طلب از اسلام قرار داده است. به طور ویژه در مصر بسیار طرفدار دارد و پس از مناظره‌ای که با اسلام بحیری در شبکه CBC مصر انجام داد، بسیار محبوب شد. او بارها به عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار جهان اسلام شناخته شده است. جفیری از شاگردان محمد علوی مالکی، عبدالقادر بن أحمد السقاف و عمر بن حفیظ است.

به علت مسلک صوفیانه و رویکرد اعتدالی و ضد تکفیر موافقان و مخالفان خاص خود را دارد ولی به طور عمومی مورد توجه و احترام اکثر چهره‌های اسلامی قرار گرفته است. نقش فعالی در سازماندهی پویش‌های مقابله با توهین به رسول اکرم ﷺ داشته است و پویش «حئی فی قلوبنا» را در این زمینه سامان داده است. در همین زمینه او با همکاری وزارت فرهنگ، جوانان و توسعه اجتماعی امارات متحده عربی از سال ۲۰۰۴ جایزه‌ای به نام «جائزه البرده» را بناگذاری کرده است که جشنواره‌ای هنری در سالروز میلاد رسول اکرم ﷺ است. فعالیت دیگر او با همکاری دولت امارات متحده‌ی جشنواره‌ای به نام «مهرجان جوائز المحبه» است که به تقدیر از فعالیت‌های هنری با موضوع رسول اکرم ﷺ می‌پردازد.

اما فعالیت عمده او در امارات متحده عربی در مؤسسه طابه است که در سال ۲۰۰۵ به دست او در ابوظبی بنیان‌گذاری شده است. این مؤسسه تمرکز خود را برای بازسازی گفتمان اسلامی در جهت هماهنگی با ارزشهای انسانی و مدرن قرار داده است. فعالیت مهم دیگر او در راستای آشتی بین ادیان، بیانیه «کلمه سواء» است که در

شبکه برای وی به دنبال آورد. او بنیانگذار «دارالمصطفی للدراسات الإسلامية» در زادگاه خود یعنی تربیم یمن است؛ مؤسسه‌ای آموزشی تبلیغی برای ترویج علوم اسلامی در منهج اسلام سنی صوفیانه.

او میان مصری‌ها میریدان شناخته شده‌ای دارد: عمرو الوردانی، مجدی عاشور (هر دو عضو دار الإفتاء مصر) و اسامه الأزهری (مشاور رییس جمهور مصر و از دوستان نزدیک جفری) از این دسته‌اند. البته دایره تأثیرگذاری او محدود به مصر نیست و بنا بر سنت صوفیانه، بخش‌های زیادی از عالم اسلامی را برای تبلیغ دیدگاه‌های صوفیانه خود گشته است.

## عارف النایض

عارف علی النایض (۱۹۶۲، بنغازی، لیبی) استاد فلسفه و متخصص مطالعات بین‌الدیانی است. او عضو لیبیایی حلقه ترویج اسلام صوفیانه است. او علاوه بر فعالیت‌های علمی، مالک یک شرکت فناوری اطلاعات نیز هست. نایض در جریان انقلاب لیبی به انقلابیون پیوست و به عنوان یکی از اعضای هماهنگ‌کننده گروه‌های انقلابی ایفای نقش کرد. او از طرف شورای انتقالی لیبی به عنوان سفیر این کشور در امارات متحده عربی منصوب شده است. او نیز مانند جفری از شاگردان محمد علوی مالکی است. نام او جزء امضاء کنندگان بیانیه «کلمه سواء» هم دیده می‌شود و همچنین عضو کمیته دانشگاهی شورای مشورتی مؤسسه طابه نیز هست.

او در بحبوحه انقلاب لیبی «شبکه العلماء الأحرار» را در حمایت از انقلاب راه انداخت که شبکه‌ای از علمای دینی نزدیک به الازهر است. این شبکه ابتدا در بیانیه‌هایی خواستار توقف فوری کشتار غیر نظامیان در یمن شد و پس از آن خواستار تظاهرات علیه نظام و ساقط کردن آن شد. نایض به نمایندگی از این شبکه در کنفرانس‌ها و جلسات ابوظبی شرکت می‌کرد. بعدها این شبکه به «رابطه علماء لیبیا» تغییر نام داد. او در روند انقلاب لیبی برای جلب حمایت‌های بین‌المللی فعالیت‌های زیادی انجام داد

## حمزه یوسف

حمزه یوسف (۱۹۵۸، واشنگتن، آمریکا، زاده شده با نام مارک هنسن) اسلام‌شناس مالکی مذهب و صوفی آمریکایی و از مؤسسان کالج زیتونه است. وی را پراوازه‌ترین مبلغی اسلامی غربی می‌دانند. هدف او از ایجاد کالج زیتونه احیای علوم اسلامی و حفظ روش‌های سنتی آموزش است. او نیز جزء امضاء کنندگان بیانیه «کلمه سواء» است.

او روابط بسیار نزدیکی با عبدالله بن بیّه دارد. مدت‌ها شاگردی او را کرده است و اکنون نیز در «منتدی تعزیز السلم فی المجتمعات المسلمه» مستقر در ابوظبی و «Global Center for Renewal and Guidance» مستقر در انگلستان که ریاست هر دو را بن بیّه بر عهده دارد، معاون او و نائب رییس است.



## فهرست منابع

رهبران: تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت، نشر معارف، تهران.

۱۰. قانون طرق صوفی. (۱۹۷۶). ایست لائو. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://site.eastlaws.com/GeneralSearch/Home/ArticlesTDetails?MasterID=3375>.

۱۱. عبدالوهاب، م. ح. و الجمیری، ر. ا. و دیگران. (۲۰۱۳). التصوف في السعودية و الخليج. مركز المسبار للدراسات والبحوث.

۱۲. عماشه، م. (۲۰۱۸). الإمارات و الصوفيه في مصر، خرائط الفكر و الحركة. المعهد المصري للدراسات.

۱۳. مآرب پرس. (۲۰۱۲). لأنه منبر النبي صلى الله عليه وسلم... رساله إلى الجفري. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://marebpress.com/articles.php?id=18303>.

۱۴. نجار، ه. (۲۰۱۸). إعادة ضبط المشهد الصوفي واحده من آليات الحرب على التطرف. العرب. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://alarab.co.uk>.  
إعادة- ضبط- المشهد- الصوفي- واحده- من- آليات- الحرب- على- التطرف.

۱۵. نصار، ج. (۲۰۱۶). مؤتمر جروزي بين الأبعاد والتداعيات والتحديات. المعهد المصري للدراسات. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://eipss-eg.org>.  
مؤتمر- جروزي- بين- الأبعاد- والتداعيات- والتحديات/

16. Al-Azami, U. (2019). Neo-Traditionalist Sufis and Arab Politics. *Global Sufism: Boundaries, Narratives and Practices*.

17. Barnett, M., & Duvall, R. (2005). Power in International Politics. *International Organization*, 59(1), 39-75.

18. Benard, C. (2004). *Civil Democratic Islam: Partners, Resources, and Strategies*. Santa Monica, CA: RAND Corporation.

۱. آمنت بالله. (۲۰۱۲). برنامه تلویزیونی شبکه سی بی سی، بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <http://www.amant.tv/2013/07/episode4-3>.

۲. الاهرام. (۲۰۰۲). الموقع الرسمي للجيب علي الجفري. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://www.alhabibali.com/media-press-لقاء-صحيفة-الأهرام-العربي-المصرية/>.

۳. الصاوي، ف. (۲۰۱۶). إنشاء فرع للأزهر خارج مصر.. حلم مع وقف التنفيذ. مصر العربي. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://masalarabia.net/>.  
تقارير- وتحقيقات/ ۱۳۳۴۵۵۷- إنشاء- فرع- للأزهر- خارج- مصر- - حلم- - ترفض- الدولة- تحقيقه.

۴. المرجع. (۲۰۱۸). «أبوالعزائم»: علي جمعه جدير بقيادة «الأعلى للصوفية». بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://www.almarjie-paris.com/1353>.

۵. المحروقي، م. (۲۰۲۰). عارف النايف.. صوفي يطمح إلى رئاسة ليبيا. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://alarab.co.uk>.  
إلى- رئاسة- ليبيا.

۶. ایماسک. (۲۰۱۶). دراسة: شبكة أبو ظبي "الصوفية" المخاطر السياسية والاجتماعية والدينية. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://www.emasc-uae.com/news/view/5941>.

۷. رشدی، ع. (۲۰۱۸). «العمامة والمسبحة».. أسرار رجال الأزهر داخل الطرق الصوفية في مصر. امان الدستور. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <http://www.aman-dostor.org/show.aspx?id=8527>.

۸. سالم، ا. ف. (۲۰۱۸). دورات تعلم الصوفية العلمية.. هل تنقذ الطرق المصرية من التآكل والفناء؟. نون پست. بازدید شده در ۲۷ فروردین ۱۴۰۱، به آدرس: <https://www.noonpost.com/content/24581>.

۹. تجریشی، ک و عظیمی، ح و دیگران. (۱۳۹۴). اطلس



- from <https://www.trtworld.com/opinion/the-conflicting-legacies-of-hamza-yusuf-22558>.
25. Philippon, A. (2018). Positive branding and soft power: The promotion of Sufism in the war on terror. Brookings. Retrieved April 14, 2022, from <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2018/12/13/positive-branding-and-soft-power-the-promotion-of-sufism-in-the-war-on-terror/>.
26. Roberts, D. B. (2019). Mosque and State: The United Arab Emirates' Secular Foreign Policy. Foreign Affairs. Retrieved April 14, 2022, from <https://www.foreignaffairs.com/articles/ united-arab-emirates/2016-03-18/mosque-and-state>.
19. Jilani, Z., & Grim, R. (2017). Hacked Emails Show Top UAE Diplomat Coordinating With Pro-Israel Think Tank Against Iran. The Intercept. Retrieved April 18, 2022, from <https://theintercept.com/2017/06/03/hacked-emails-show-top-uae-diplomat-coordinating-with-pro-israel-neocon-think-tank-against-iran/>.
20. Karaveli, H. M. (2012). The Coalition Crumbles: Erdogan, the G lenists, and Turkish Democracy. Turkey Analyst. Retrieved April 18, 2022, from <https://www.turkeyanalyst.org/publications/turkey-analyst-articles/item/395-the-coalition-crumbles-erdogan-the-g/C3/BCLenists-and-turkish-democracy.html>.
21. Kirkpatrick, D. D. (2019). The Most Powerful Arab Ruler Isn't M.B.S. It's M.B.Z. The New York Times. Retrieved April 14, 2022, from <https://www.nytimes.com/2019/06/02/world/middleeast/crown-prince-mohammed-bin-zayed.html>.
22. Krieg, A. (2020). On the sinister objectives of Abu Dhabi's "crusade" against political Islam. Middle East Eye. Retrieved April 14, 2022, from <https://www.middleeasteye.net/opinion/uaes-foreign-policy-far-secular>.
23. Sheline, A. (2017). Middle East regimes are using 'moderate' Islam to stay in power. The Washington Post. Retrieved April 14, 2022, from <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2017/03/01/middle-east-regimes-are-using-moderate-islam-to-stay-in-power/?variant=95d42e19c24b03e7>.
24. TRT. (2018). The conflicting legacies of Hamza Yusuf. TRT World. Retrieved April 17, 2022,

